امام علی (ع)

و

وحدت اسلامی



بسم الله الرحمن الرحيم

امام علی علیه السلام دولت و سیاست های اقتصادی

نویسنده:

محمد تقی گیلک حکیم آبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام علی (ع) دولت و سیاست های اقتصادی

مشخصات کتاب

نویسنده:محمدتقی گیلک حکیم آبادی

ناشر : محمدتقی گیلک حکیم آبادی

زبان اصلی:فارسی

نقش دولت[1]

.در اقتصاد، از دیر باز تاکنون، تحوّلات بسیاری یافته است.تقابل میان دولت و بخش خصوصی، هم در دولت های حدّ أکثر و هم در دولت های حدّ أقل، تنش زا بوده است.نگاه تحکّم آمیز دولت ها به مردم و همچنین منحصر شدن اهتمام دولت ها به رفاه مادّی، زاویه دید دولت ها و مردم را نسبت به یکدیگر تنگ ساخته است؛ تا جایی که هدف حدّاکثر ساختن منافع کارگزاران دولت، امر نا معقولی به نظر نمی رسد.مسئله سهم دولت در اقتصاد به مقدار بسیار زیادی بر مبنای ذهنیّت ها و شرایطی استوار است که نتیجه طبیعی کارکرد های نظریه پردازان و سیاستگذاران در تمام عرصه های اجتماعی بوده است.ترسیم چهره ای ولایی و ارزشی از دولت خدمتگزار، مسئول، قانونمدار و مقتدر علوی، می تواند تمایز ماهوی حکومتِ عدل را با حکومت های رقیب روشن تر کرده، راه حلّ پایداری برای تقابل دولت و ملّت را نشان دهد.دولت علوی افزون بر رفاه عمومی، اهتمام خود را برای سعادت مردم به کار بست و اوّلین رسالت خود را اجرای احکام و آموزه های الهی قرار داد، و در این مسیر، برقراری عدالت اجتماعی را مهم ترین هدف فعّالیّت های سیاست های اقتصادی خود نهاد.سیاست های اقتصادی امام به گونه ای طراحی و اجرا شد که کرامت و عزّت انسان ها رعایت شده، به واقعیّات و شرایط موجود نیز توجّه کافی گردید.

نقش دولت در اقتصاد

ماهیّت دولت اسلامی

رابطه دولت و مردم

وظایف دولت علوی

تعلیم و تربیت

حفاظت از دین و مبارزه با بدعت ها

ایجاد امنیّت

تامین اجتماعی

مبارزه با تبعیض ها و بی

بسط عدالت اجتماعی اقتصادی

عمران و آبادانی (توسعه و رشد اقتصادی)

ثبات قیمت ها

روابط مابین هدف ها

سیاست های اقتصادی (ابزارها و تدابیر) در دولت علوی

سیاست های مالی

زکات

خراج

نتیجه

*****

در این مقاله، دولت و حکومت، به یک معنا و شامل همه قوا به کار می رود.

نقش دولت در اقتصاد

مسئله نقش دولت به گونه ای نزدیک با سازمان اجتماعی که در آن وجود دولت مسلم فرض می شود مرتبط است، سازمان اجتماعی که برای جامعه متصور است، احتمالاً طیف پیوسته ای از دیدگاه آزادسازی (حدّأقل کننده دولت) تا دیدگاه جمع گرا (حدّاکثر کننده دولت) را در بر می گیرد.بر اساس هر یک از این دیدگاه ها، اهداف، وظایف، امکانات و اختیارات دولت قابل ترسیم است.

ماهیّت دولت اسلامی

رابطه دولت و مردم

وظایف دولت علوی

تعلیم و تربیت

حفاظت از دین و مبارزه با بدعت ها

ایجاد امنیّت

تامین اجتماعی

مبارزه با تبعیض ها و بی عدالتی های اقتصادی

عمران و آبادی

افزایش رفاه و درآمدهای مردم

نظارت بر بازار و تنظیم آن

جمع آوری مالیات و تنظیم بیت المال

منابع مالی دولت علوی

اندازه دولت علوی

دولت حداقل

دولت حداکثر

دولت متوسط

اختیار قانونگذاری در قلمرو آزاد

تشخیص اولویت ها و نیازها و عناوین ثانویه

ولایت بر تطبیق اقتصاد اسلامی

*****

ماهیّت دولت اسلامی

دولت، تجلّی برتر وحدت سیاسیِ مردم یک جامعه است.اساس این وحدت، عاطفه (جغرافیا، نژاد، خون، زبان و تاریخ) یا فکر (الهی یا الحادی و...) است.(۱).

امّا آنچه که هر جامعه ای را وا می دارد تا دولت تشکیل دهد، انگیزه اجتماعی زیستن انسان ها است.تنظیم روابط متقابل انسان ها، اجرای مقررات و ضمانتِ اجرایی، مستلزم وجود دستگاه قدرتمندی است.از این رو امام علی(ع) در پاسخ به شعار لا حکم

الاّللّه از سوی خوارج چنین پاسخ می دهند:

«مردم، به زمامـدار نیازمندنـد، خواه نیکوکار باشد یا بد کار؛ تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشـغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد و به کمک

او با دشمنان مبارزه شود.نیکوکاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند.»(۲).

ایجاد امنیّت، نظم آفرینی و پاسداری از حقوق مردم و جلوگیری از تعدّی، شأن هر حکومتی است.برخی از سخن علی(ع) چنین فهمیده اند که تنها عامل تعیین کننده قوه اجرایی، توانمندی در تدبیر امور کشور، حفظ امنیّت و حراست از مرزها است؛(۳).یعنی حکومت ها وظیفه ای جز رسیدگی به حاجات اوّلیه مردم ندارند، خواه حکومت دینی و خواه حکومت غیردینی.(۴) حال آن که مراد امام در این خطبه، بیان اهمیت نظم و امنیّت است؛ زیرا بنابر فرموده دیگری از امام علی(ع)، «پیشوای دادگر از بارانِ پیوسته بهتر است و جانور درنده و آدمخوار از فرمانروای ستمکار بهتر می باشد و فرمانروای بیدادگر از فتنه دائمی نیکو تر است.» شارح این کلمات در این مقام می گوید: «بدیهی است که ظلم یک کس هر چند بسیار ولی سهل باشد نسبت به این که فرمانروا و حاکمی نباشد که آن سبب هرج و مرج می شود.و هر که را قدرتی بر فتنه و شرّ می باشد آن را پیشه گیرد و فتنه دائمی گردد.»

افزون بر این، تأمّل در بیانات امیرالمؤمنین نشان می دهد که اجرای قانون اسلام وظیفه اصلی حکومت اسلامی است:

«وجود امام برای امت لازم است تا امورشان را برپا دارد و آنان را امر و نهی نماید و حدود را در بین شان اجرا نموده و با دشمنان بستیزد و...»

بنابراین حوزه وظایف دولت اسلامی، پیگیری مصالح مردم و سامان بخشیدن به امور جامعه است، و در یک جامعه اسلامی این امور، اعم از امور دنیوی و آخرتی است.به عبارت دیگر هدف

دولت، سعادت بشر (اصلاح مردم) است.(۵) برقراری حاکمیت خداوند و استوار سازی ارزش های الهی و رشد کرامت های انسانی، محور تمام نقش های دولت در تمام زمینه های اجتماعی است؛ چنان که امام علی(ع) می فرماید:

«همانا، زمامدار، امین خدا در زمین و بر پا دارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.»

البته از منظر اسلامی، ارزش امور دنیایی مردم به اعتبار ارزش امور اُخروی است.در واقع دولت اسلامی با فراهم نمودن رفاه و آسایش افراد جامعه، زمینه دینداری را مهیّاتر نموده، ارزش های الهی را ترویج می کند.همچنین مسئولیت امور اخروی، بُعد جدیدی به نقش دولت می دهد و بنابراین امکان می دهد تا دولت سیاست هایی را پیش گیرد که با تحقق آنها مسلمانان تکالیف دینی خود را به نیکی انجام داده، کمالات الهی و انسانی را کسب نمایند.چنین دولتی تنها می تواند در محدوده شریعت عمل کند.متفکران اسلامی میان دو حوزه عملیات دولت در محدوده شریعت فرق می گذارند.اوّلین حوزه اختیارات دولت، شامل اجرای مقررات و قوانین ثابت مانند وضع زکات و منع ربا است، و دومین حوزه جایی است که شریعت در اختیار حاکم اسلامی قرار داده است (منطقه الفراغ)(۶) تا با توجه به شرایط و ضرورت های اجتماعی، قوانین و مقرراتی را وضع و اجرا نماید و یا در مقام تزاحم قوانین ثابت، تصمیم لازم را اتخاذ نماید؛ چنان که امام(ع) بر اسب زکات بستند و بدین وسیله مالیاتی غیر ثابت (حکومتی) را وضع کردند.همچنین برای مبارزه با احتکار و گران فروشی تمهیداتی اندیشیدند و حفظ سطح زندگی مردم را بر لوازم و

پیامدهای مالکیتِ شخصی ترجیح دادند.

بنـابراین دولت علـوی و به طور کلّی دولت اسـلامی هم در هـدف و هم در محـدوده عمـل، بـا دولت هـای دیگر فرق مـاهوی دارد.دولت هـای لیبرال و سوسـیالیستی در جهـان امروز، یا به دنبال رفاه مادّی عمومی و یا در پی حـدّاکثر کردن رفاه کارکنان دولت (نظریه انتخـاب عمومی) و یـا هر دو هسـتند.اما در انـدیشه جـامع نگر امیر عـدالت، هـدف غـایی دولتْ سـعادتِ مادّی و معنوی همه مردم است.از این رو تشـخیص سـعادت و رسیدن به آن از توان اندیشه محدود انسان خارج است و نیازمند رهبری امّت که از غیب مـدد گیرد(۷) و لاجرم در محـدوده شـریعت عمل نمایـد.بر اساس آموزه های علوی، هیـچ چیزی جز برقراری عـدالت به عنوان هـدف میانی وظایف دولت به اصـلاح جامعه کمک نمی کنـد.آنچه حکومت علوی را در این زمینه از دیگر دولت هـا متمـایز و برتر می سـازد، آن است که عـدالت در این حکومت، نه یک آرمان دور بلکه یک برنامه نزدیک و عملی است.(۸).

*****

الصدر، محمدباقر، الاسس الاسلامیه، ص ۳۴۶.

نهج البلاغه، خ ۴۰.

حائری، مهدی، حکمت و حکومت، ص ۱۹۶.

سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیریت، ص ۳۷۰ ۳۷۳.

و اصلاح اهلها، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

الصدر، محمدباقر، اقتصادنا، ص ۳۸۰.

الفارابی، ابونصر، کتاب السیاسه المدنیه، ص ۷۸.

ر.ک: ص ۲۹ ۳۰.

رابطه دولت و مردم

دولت علـوی، به حسب مـاهیّت و جوهر خود، دولـتی خیرخواه و خـدمتگزار است؛ زیرا چنین دولـتی هـدفش تحقق حـاکمیت الهی، و اسـتوار سـازی ارزش هـای انسانی و تکریم انسان ها (تعقیب سـعادت مردم) می باشـد.امام علی(ع) به کارگزاران خود خاطر نشان می کند:

«پس خود داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو

مگذارید و برای برآوردن نیاز هایشان، حوصله به خرج دهید.شما خازنان رعیّت هستید و وکیلان امّت و سفیران امامان.»(۱).

در اندیشه امام علی(ع) حکومت طعمه ای نیست که دولتمردان بدان طمع ورزند؛ بلکه امانتی است در دست آنان.اشعث بن قیس که در دوران حکومت خلیفه سوم، استاندار آذربایجان بود، حکومت را به معنای رایج عصر خود، یعنی خود محوری و خودکامگی می پنداشت؛ از این رو امام بدو نوشت:

«کاری که به عهده تو است طعمه تو نیست، بلکه بر گردنت امانتی است.آن که تو را بدان گمارده، نگهبانی امانت را به عهده ات گذارده.تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیّت فرمایی، و بی دستوری به کاری دشوار در آیی.در دست تو مالی از مال های خدا است عزّوجل، و تو آن را خزانه داری تا آن را به من بسپاری.امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم.والسلام.»(۲).

امام والیان را نه فقط به انصاف با مردم بلکه به خوشرفتاری و مهرورزی سفارش بسیار فرموده است؛ چنان که به مالک اشتر نیز می نویسد:

«مهربانی به رعیّت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز.چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو گروهند: یا همکیشان توأند هستند یا همانند تو در آفرینش....»(۳).

کار گزاری در دولت علوی با توجه به اهداف بلند و انسان ساز دولت، قبل از تخصص نیازمند تعهد و خودسازی است؛ هرچند تنظیم دقیق وظایف و حقوق کارگزاران و نظارت بر عملکرد آنان از سیاست های مهم دولت علوی بوده است.

«آن که خود را پیشوای مردم می سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد،

و پیش از آن که به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید، و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.»(۴).

علاوه بر نیت خیرخواهانه و سلوک متواضعانه کارگزاران، اساس روابط مردم و دولت بر حقوق متقابلی استوار است که در کلام علی(ع) بزرگ ترین حقوق واجب الهی بشمار آمده، موجب پایداری روابط و اصلاح امور دولت و جامعه و برپائی دین و آشکار شدن عدالت و...می گردد:

«بزرگ ترین حق ها که خدایش واجب کرده است، حق والی بر رعیّت است، و حق رعیّت بر والی، که خدای سبحان آن را واجب نموده و حق هر یک را بر عهده دیگری واگذار فرمود، و آن را موجب برقراری پیوند آنان کرد و ارجمندی دین ایشان.پس حال رعیّت نیکو نگردد جز آن گاه که والیان نیکو رفتار باشند، و والیان نیکو رفتار نگردند جز آن گاه که رعیّت درستکار باشد.پس چون رعیّت حق والی را بگزارد و والی حق رعیّت را به جای آورد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود، و راه های دین پدیدار، و نشانه های عدالت بر جا، و سنّت چنان که باید اجرا.پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم آز دشمنان بسته و...»(۵).

یکی از حقوق مهم در دولت علوی مشاورت با مردم و مشارکت آنان در تصمیم گیری ها است که امام(ع) آن را یکی از سیاست های اصولی خود در ابتدای خلافت اعلام فرمودند:

«ای مردم این امر (حکومت) امر شما است؛ هیچ کس جز آن که شما او

را امیر خود گردانید، حق حکومت بر شما را ندارد.ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من پذیرش ولایت شما را ناخوشایند داشتم، ولی شما این را نپذیرفتید و جز این که من تشکیل حکومت دهم، رضایت ندادید.آگاه باشید که من کسی جز کلیددار شما نیستم و نمی توانم حتی یک درهم به ناروا از بیت المال بر گیرم...»(۶).

علی(ع) امور مردم را آشکارا اداره می کرد و در هر امر بزرگ و مهمّی با آنان به مشورت می نشست.اگر آنان در امری مخالفت می کردند، رأی آنها را می پذیرفت و بدان عمل می کرد و همین امر سبب می شد که آنان گستاخ تر شوند.۲۴(۷).در دولت علوی از آن جا که قانون شریعت، حاکم است و بر اساس آن حقوق متقابل مردم و حکومت تعیین می گردد، نیازی به انداختن پرده جهلِ راولزی برای تعیین معیارهای عدالت اجتماعی نمی باشد.(۸) دولت ها نیز در الگوی حکومت علوی، اسراری جز آنچه برای حفظ مصالح ملی لازم است، ندارند:

«بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید، این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا را و....»(۹).

*****

نهج البلاغه، نامه ۵۱.

نهج البلاغه، نامه ۵.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

نهج البلاغه، خ ۲۱۶.

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۹۳ ۱۹۴؛ الطبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۳، ص ۴۵۰.

ر.ک: طه حسین، علی و فرزندانش، ص ۱۸۷.

امامی، کریم و آذرنگ، عبدالحسین (گردآورندگان)، خرد و آزادی، ص ۳۳۱.

نهج البلاغه، نامه ۵۰.

وظایف دولت علوی

دوران حکومت امام(ع) با آشفتگی های سیاسی و توطئه های فراوان

داخلی توأم بود.عدم ثبات و کشمکش های داخلی، فرصت های بسیاری را برای تحول و اصلاحات اقتصادی مورد نظر حضرت از بین برد.بنابراین دستورالعمل های امیرالمؤمنین به کارگزاران، منبع مغتنم و مناسبی برای ترسیم چند و چون وظایف دولت در اندیشه حکیمانه حضرت می باشد.اهم این وظایف که در واقع احیای وظایف دولت نبوی و برخاسته از ماهیّت متمایز دولت اسلامی است، به شرح زیر است:

تعلیم و تربیت

حفاظت از دین و مبارزه با بدعت ها

ایجاد امنّیت

تامین اجتماعی

مبارزه با تبعیض ها و بی عدالتی های اقتصادی

عمران و آبادی

افزایش رفاه و درآمدهای مردم

نظارت بر بازار و تنظیم آن

جمع آوری مالیات و تنظیم بیت المال

*****

تعلیم و تربیت

آموزش مردم و ایجاد زمینه های پرورش کرامت انسان ها و اصلاح مردم، از مهم ترین وظایف دولت اسلامی است.امام(ع) تلاش برای اصلاح مردم را از وظایف واجب پیشوایان شمرده، می فرماید:(۱).

«بر امام واجب است که حدود اسلام و ایمان را به افراد جامعه اش بیاموزد.»(۲).

در عهدنامه خود به مالک اشتر اصلاح مردم را وظیفه حکومت قلمداد می کند.(۳) در جای دیگر می فرماید:

«امّا حق شما بر من این است که...به شما آموزش دهم تا جاهل نمانید و شما را تربیت کنم تا بیاموزید (و بر طبق آن رفتار کنید)....»(۴).

عملکرد خود را نیز در این باره چنین توصیف می نماید:

«آیا حکم قرآن را میان شما جاری نداشتم و...؟ رایت ایمان را میان شما پابرجا کردم و مرزهای حلال و حرام را برایتان جدا...و با گفتار و کردار خویش معروف را میان شما گستردم و با خوی خود شما را نشان دادم که اخلاق گزیده چیست....»(۵).

*****

شرح غرر الحکم و دررالکلم، ج ۶، ص ۳۰.

همان،

ج ۴، ص ۳۱۸.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نهج البلاغه، خ ۳۴.

نهج البلاغه، خ ۸۷؛ همچنین ر.ک: خ ۱۸۲.

حفاظت از دین و مبارزه با بدعت ها

حکومت علوی با اجرای حدود الهی و سنّت نبوی سهم بزرگی در برپایی نظام اسلامی داشت و وظیفه خود می دانست تا از دین پاسداری و با کج اندیشی ها و بدعت ها مبارزه منطقی کند.امام(ع) این مهم را در شمار وظایفِ دولت نبوی برشمرده، می فرماید:

«بدو حکم های نا دانسته را آشکار کرد و بدعت ها را که در آن راه یافته بود، کوفت و بر کنار کرد، و حکم های گونه گون را پدیدار.»(۱).

در خطابی به عثمان، وظیفه پاسداری از دین را برای دولت اسلامی، برترین عبادت قلمداد می کند:

«بدان که فاضل ترین بندگان خدا نزد او امامی است دادگر، هدایت شده و راهبر، که سنّتی را که شناخته است بر پا دارد و بدعتی را که ناشناخته است، بمیراند.»(۲).

*****

نهج البلاغه، خ ۱۶۱.

نهج البلاغه، خ ۱۶۴.

ایجاد امنیّت

برقراری امنیّت در سرحدّات و داخل کشور، همواره از دغدغه های اصلی دولت ها است.بنابراین امام علی(ع) فلسفه تشکیل حکومت را برقراری امنیّت برمی شمارند و می فرمایند:

«مردم به زمامدار نیازمندند، خواه نیکوکار باشد یا بد کار؛ تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده ها امن و امان، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند.»(۱).

آن جـا که رابطه انسـان با انسان، رابطه ظالم و مظلوم، غارتگر و غارت شـده و آزادی ستیز و آزادی خواه است، هـدف دولت علوی ایجاد

امنیّت برای مظلومان است: فیا من المظلومون من عبادک.(۲) معیار تقدس جامعه و دولت اسلامی طبق بیان پیامبر(ص) وجود آن اندازه از امنیّت است که حق ضعیف را بتوان بدون اضطراب و لکنت زبان از قوی بستاند: لن تقدس امّتی یؤخذ للضعیف حقّه من القوی غیر متمتّع.(۳).یعنی اوّلاً ـ مردم به طور کلی روحیه ضعف و زبونی را از خود دور کنند و در مقابل قوی هر اندازه که قوی باشد شجاعانه بایستند، به لکنتِ زبان نیفتند و ترس نداشته باشند، و دیگر این که اصلاً نظامات اجتماعی باید طوری باشد که در مقابل قانون، قوی و ضعیفی وجود نداشته باشد.(۴).

*****

نهج البلاغه، خ ۴۰.

نهج البلاغه، خ ۱۳۱.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۶۰.

تامین اجتماعی

امام علی(ع) وصیت رسول گرامی اسلام را درباره نیازمندان در دوران حکومت خود به جدّ پی گرفت.پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین فرمودند:

«امور طائفه دیگر از مساکین و نیازمندان را پایمال نکن و بخشی از مال خدا و حق معیّنی را که خداوند از زکات برای آنان قرار داده، بین آنها توزیع نما.»(۱).

بنابراین امام(ع) ضمن سفارش به مالک اشتر نسبت به افراد تهیدست، می فرماید:

«برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده به جا آور و قسمتی از بیت المال که در دست داری و قسمتی از غلّات و بهره هایی که از زمین های غنیمت اسلام به دست آمده در هر شهری برای ایشان مقرّر دار.»(۲).

حکومت علوی تأمینِ از کار افتادگان و بازنشستگان را سرلوحه برنامه خود قرار داده است:

«تیمار دار یتیمان باش و غمخوار پیران از کار افتاده که بیچاره اند و

دست سئوال پیش کسی دراز نکنند و این کار بر والیان دشوار و گران است و هر گونه حقی دشوار و گران آید....» ۴۰(۳).

به قثم بن عباس، کارگزار خود در مکه می نویسد:

«در مال خدا که نزد تو گرد می آید، نظر کن! آن را به عیالمندان و گرسنگانی که نزدیکت هستند بده، و آنان که مستمندند و سخت نیازمند.و مانده را نزد ما بفرست تا ما نیز آن را به نیازمندانی که نزد ما هستند، قسمت کنیم.»(۴).

این حکایت نیز از امیرالمؤمنین معروف است که روزی پیرمردی نصرانی را دید که تکدّی می کند از حاضران پرسید، او کیست؟ گفتند: نصرانی است.حضرت فرمود: «او را به کار گرفته اید تا آن جا که پیر و ناتوان گردیده و رهایش نموده اید.» سپس دستور داد تا از بیت المال بر او انفاق نمایند.(۵).

برنامه های تأمین اجتماعی حکومت علوی چنان گسترده بود که هیچ کس در کوفه به سر نمی برد حتی از پایین ترین طبقات مردم مگر این که از گندم (خوراک)، مسکن و آب فرات بهره مند بود.(۶).

*****

حاجی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۵۸.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

همان.

نهج البلاغه، نامه ۶۷.

الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹.

علّامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

مبارزه با تبعیض ها و بی عدالتی های اقتصادی

یکی از برنامه های روشن حکومتِ علوی، برقراری عدالت و احقاق حق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض ها، انحصارات، رانت خواری ها، و پایمال کنندگان اموال عمومی بوده است.امام در روز دوم خلافت، سیاست های خود را در این زمینه به اطلاع مردم رساند:(۱).

«سوگند به خدا (اگر بخشیده عثمان را بیابم) به مالک آن باز گردانم، اگر چه از آن زن ها

شوهر داده و کنیزکان خریـده شده باشد؛ زیرا در عدل و درستی، وسـعت و گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد، سـتم را سخت تر یابد.»(۲).

کلبی می گویـد: آن گاه فرمان داد همه سـلاح هایی را که در خانه عثمان پیـدا شده بود و آنها را علیه مسـلمانان به کار گرفته بودنـد، بگیرنـد و در بیت المال نهند.همچنین مقرر فرمود شتران گزینه (نجائب) زکات را که در خانه اش بود، تصـرّف کنند و شمشـیر و زره او را هم بگیرنـد؛ امّا کاری به سـلاح هایی که در خانه عثمان بود و بر ضـد مسـلمانان از آن اسـتفاده نشـده بود، نداشـته باشـند و از تصـرّف همه اموال شخصـی عثمـان که در خانه اش و جاهای دیگر است، خودداری شود.نیز دسـتور فرمود اموالی که عثمان به صورت پاداش و جایزه به یاران خود و هر کس دیگر داده است، برگردانده شود.چون این خبر به عمرو بن عاص رسید،(۳) برای معـاویه نوشت: «هر چه بایـد انجام دهی انجام بـده که پسـر ابی طالب همه اموالی را که داری از تو جـدا خواهد کرد؛ همان گونه که پوست عصا و چوبدستی را می کَنند.»(۴).

امام(ع)، مالک را به شدت از رانت جویی اطرافیانش برحذر می دارد:

«و بـدان که والی را خویشاونـدان و نزدیکـان است و در ایشـان خوی برتری جویی و گردنکشـی است و در معاملـات بـا مردم رعایت انصاف نکننـد.ریشه ایشان را با قطع موجبات آن صـفات قطع کن؛ به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به اقطاع مده؛ مبادا به سبب نزدیکی به تو پیمانی ببندند که صاحبان زمین های مجاورشان را در سهمی

که از آب دارند یا کاری که باید به اشتراک انجام دهند، زیان برسانند و بخواهند بار زحمت خود بر دوش آنان نهند؛ پس لذّت و گوارایی نصیب ایشان شود و ننگ آن در دنیا و آخرت بهره تو گردد.»

امام(ع) در یک کلام انحصارطلبی دولت را نفی می کند؛ آن جا که به مالک می فرماید:

«ایاک و الاستئثار بما الناس فیه اسوه.»(۵).

بپرهیز از این که به خود اختصاص دهی، چیزی را که همگان را در آن حقی است.»

توجه به حقوق مردم در بیت المال و دقت در رساندن حقشان به طور کامل به آنان، نکته بسیار عمیقی است که باید کسانی که پیروی از الگوی حکومت علوی در سر می پرورانند از امام شان بیاموزند.حقی را که خداوند برای مردم قرار داده است با بهانه هایی حتّی نظیر فسق و نفاق نمی توان از آنان دریغ نمود.در بلندای نظر امیر مؤمنان، بهای ایمان در ظرف های کوچک دنیایی نمی گنجد.سنّت نبوی و سیره علوی سفره رحمت خداوند را آن چنان گسترده می دانند که برای تمامی مخلوقات خداوند در آن نصیبی است و از این رو علی(ع) از پیروانش می خواهد که این حق الهی را پاس دارند و خود را به این صبغه کریمانه الهی بیارایند.امام خطاب به کژ اندیشان خوارج، سنّت نبوی را چنین یادآور می شود:

«...می دانید که رسول اللّه (ص)...دست کسی را که مرتکب دزدی شده بود قطع کرد و زناکار غیر محصن را تازیانه زد؛ ولی سهمی را که از غنایم نصیبشان می شد به آنان پرداخت و رخصت داد که با زنانِ مسلمان ازدواج کنند.رسول اللّه (ص) آنان را

به سبب گناهی که مرتکب شده بودند، مؤاخذه کرد و حدّ خدا را بر ایشان جاری ساخت؛ ولی از سهمی که اسلام برایشان معیّن کرده بود، منعشان ننمود و نامشان را از میان مسلمانان نزدود.»(۶).

*****

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص ۹۰.

نهج البلاغه، خ ۱۵.

در آن زمان عمروبن عاص به درایله (از سرزمین های شام) گریخته بود.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۳۵ ۱۳۶.

همان.

نهج البلاغه، خ ۱۲۷.

عمران و آبادی

حکمت علوی به پیروی از تعلیمات الهی، انسان ها را مأمور عمران و آبادی زمین و بهره مندی از آن می داند.درباره وظیفه آدم(ع) پس از هبوط به زمین می فرماید:

«فاهبطه بعدَ التوبه لِيَعْمُرَ اَرْضَهُ بِنَسْلِه؛ خداوند آدم(ع) را پس از توبه به زمین فرود آورد، تا با نسل او زمین خود را آباد گرداند.»(۱).

امام برای به فعلیت رساندن وظیفه یاد شده به دست مردم، دولت را موظّف به آباد کردن زمین می نماید.از این رو در ابتدای نامه خود به مالک، یکی از وظایف اصلی او را آباد کردن مصر برمی شمارد.(۲).حکومت علوی با درک توان بخش خصوصی در آباد کردن زمین، مسئولیت عمده دولت را حمایت از این بخش و کاستن از موانع بر سر راه تولید می داند.از این رو به مالک می نویسد که خراج را طوری تنظیم کند که مانع تولید نشود و نسبت به امور بازرگانان و صنعتگران توجّه خاصی مبذول داشته، به آنان کمک نماید.(۳).

امام علی(ع) برای حمایت از بازار همانند زمان پیامبر(ص) به ساختن بازار اقدام کرده و سپس آن را در اختیار تجار قرار داده است.(۴) از ایشان روایت شده است

که از حجره های بازار کرایه نمی گرفت.(۵) در روایتی دیگر آمده است که از گرفتن اجاره کراهت داشت.(۶) در نامه ای به فرظه بن کعب الانصاری کارگزار بهقباذات(۷) به او سفارش می کند، در لایروبی نهرها به کشاورزان کمک نماید.بلاذری نامه حضرت را چنین گزارش کرده است:

«اما بعد؛ گروهی از مردم منطقه مأموریت تو نزد من آمدند و یادآوری کردند که نهری از آنها پنهان و از بین رفته است و در صورتی که آن نهر را حفر نموده و آماده سازند، دیار آنها آباد می گردد و بر پرداخت خراج خود توانایی پیدا می کنند و بر بیت المال مسلمین نیز افزوده می شود.از من خواستند نامه ای به تو بنویسم تا آنها را به کار گرفته، برای حفر نهر و لایروبی آن، آنها را جمع نمایی و در این راه به آنان کمک مالی کنی.امّا من این را صحیح نمی دانم که کسی را مجبور به کاری بکنم که کراهت دارد.آنها را دعوت نما، پس اگر نهر آن گونه بود که آنها می گفتند، هر کسی بخواهد او را برای کار بفرست و نهر از آن کسی است که روی آن کار کند، نه آنان که مایل به همکاری نیستند.اگر آن را آباد سازند و قوی گردند، برای من محبوب تر است از آن که ضعیف شوند.والسلام.»(۸).

*****

نهج البلاغه، خ ۹۱.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

عاملی، جعفر مرتضی، بازار در سایه حکومت اسلامی، ص ۲۷.

الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۰۰؛ الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۹.

الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۸۳.

اسم سه منطقه در بغداد است که

از طریق شط فرات مشروب می شوند.اهالی آن منسوب به قباد بن فیروز، پدر انوشیروان انند.(ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۱۷۶ ۱۷۷).

بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۰؛ ذاکری، علی اکبر، همان، ج اوّل، ص ۱۷۸ - ۱۷۹؛ الیعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ المحمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۵، ص ۳۲ ۳۳.

افزایش رفاه و درآمدهای مردم

بهبود زندگی مردم و افزایش درآمدها و بهره مندی آنان از بیت المال نیز از وظایف مهم حکومت علوی بود.دولت اسلامی نه تنها برای تأمین نیازهای اساسیِ از کار افتادگان و بازنشستگان و فقرا تلاش می کند، بلکه می کوشد تا جامعه اسلامی از رفاه در شأن خود برخوردار باشد.امام علی(ع) افزایش درآمدهای مردم را حق مردم بر دولت برمی شمارد: فامّـا حقکم علیّ...و توفیر فیئکم علیکم(۱) همچنین در ترسیم وظایفِ زمامدار می فرماید: و اصدار السهمان علی اهلها؛(۲) یعنی تقسیم اموال بیت المال در بین مستحقان.(۳).

*****

نهج البلاغه، خ ۳۴.

نهج البلاغه، خ ۱۰۵.

المغنیه، محمدجواد، فی ظلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۶.

نظارت بر بازار و تنظیم آن

امام علی(ع) شخصا اوضاع بازار را زیر نظر داشتند و ضمن دعوت بازاریان به رعایت موازین اخلاقی و شرعی، نرخ ها را بررسی کرده، بر معاملاتی که بین مشتری و فروشنده در جریان بود نظارت می کردند و با احتکار و گرانفروشی نیز سخت مبارزه می نمودند.

از امام باقر(ع) چنین روایت شده است که آن حضرت، بامداد هر روز، از منزل خود در کوفه، به طرف بازار روانه می شد و در حالی که تازیانه ای دو سویه به نام سبیبه بر دوش آویخته بودند، بازار به بازار می گشتند.در هر بازار نزد سوداگران می ایستادند و ندا می دادند که ای گروه تجار، از خداوند عزّوجلّ بترسید.چون تجار صدای حضرت را می شنیدند، دست از کار کشیده، گوش ها بدو سپرده و چشم بر او می دوختند.آن گاه حضرت می فرمود: پیش از کار از خدا خیر بخواهید و با تسهیل کار داد و ستد برکت جویید، و به خریداران نزدیک شوید

و خود را به حلم بیارایید کنید و از سوگند باز ایستید و از دروغ کناره گیرید و از ستم دوری جویید...ربا نگیرید و با پیمانه و ترازوی درست کار کنید، و مال مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید.سپس بازارهای کوفه را می گشتند و آن گاه باز می گشت و (در دارالحکومه) برای رتق و فتق امور مردم می نشست.(۱).فضایل الصحابه از ابی الصهبار نقل می کند:

«علی بن ابی طالب را در شط کلاء دیدم که از قیمت ها می پرسیدند.»(۲).

در دعائم الاسلام روایت شده است که علی(ع) در حالی که تازیانه ای در دست داشت، در بازارها قدم می زد و هر کس را که کم فروشی می کرد و یا در تجارت غش می نمود، با آن می زد.اصبغ می گوید: روزی به حضرت گفتم یا امیرالمؤمنین، بگذار این کار را من به جای شما انجام دهم و شما در خانه بنشینید.حضرت فرمود: «ای اصبغ این چه نصیحتی است که به من می کنی؟.»(۳).

امام، به این نیز بسنده نمی کردند و افرادی را برای نظارت و رسیدگی به امور بازار در مناطق دیگر می گماشتند؛ چنان که به رفاعه بن شداد قاضی منصوب خود بر اهواز نامه ای نوشت و در آن امر نمود که ابن هرمه را از بازار بردارد و شخص دیگری را متولی بازار نماید.(۴) امام(ع) هم بازاریان را به رعایت حال خریداران و ارزان فروشی تشویق می کرد و هم پیوسته بر قیمت ها نظارت و با احتکار و گرانفروشی مبارزه می کردند.از این رو به مالک چنین دستور می دهند:

«از احتکار منع کن که

رسول اللّه (ص) از آن منع کرده است و بایـد خریـد و فروش به آسانی و بر موازین عـدل صورت گیرد؛ به گونه ای که در بها نه فروشـنده زیان ببیند و نه بر خریدار اجحاف شود.پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسـی باز هم دست به احتکار کرد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد؛ ولی کار به اسراف نکشد.»(۵).

امـام همچنین از شـکل گیری انحصـار در بـازار نهی کرده انـد.به مالـک می نویسـند: و اعْلَم مَعَ ذلـک أنّ فی کثیرٍ مُنهُم ضِیقا فاحِشا، و شُحّا قَبیحا، و احتِکارا للمَنافِع، و تَحَکُّما فی البِیَاعَاتِ و ذلِکَ باب مَضَرَّه لِلعامّهِ و عَیْبٌ عَلَی الوُلاهِ؛ «با این همه بدان که بسـیاری از ایشان (= بازاریان) را روشی نا شایسته است و حریص اند و بخیل، احتکار می کنند و به میل خود برای کالای خود بهـا می گذارنـد.با این کـار به مردم زیـان می رساننـد و برای والیـان نیز مـایه ننگ و عیب است.»(۶) مرحوم خویی در معنـای «تحکّما فی البیاعات» می نویسد که آن حرص جهنمی است که موجب تشکیل شرکت ها و انحصارات جبّارانه می شود.از این رو کالاهای مورد نیاز مردم را با انواع حیله و با نیروی سـرمایه جمع آوری کرده و بهر قیمتی که خود می خواهند و با هر شرط و قراردادی آنها را می فروشند و منافع خود را دو چندان می نمایند.(۷).

مرحوم خویی برداشت خود را با معنای احتکار منافع تأیید می کند و احتکار را بر دو قسم می داند:

۱.احتکار اجناس، که فقها در باب بیع، حکم به حرمت و یا کراهت

آن داده اند.

۲.احتکار منافع، که مقصود از آن حرص در گرفتن سود و فایده از معاملات، بیش از مقدار مشروع است؛ به طوری که این حرص و ولع موجب تشکیل شرکت های انحصاری شود.

از نظر وی گویا منظور حضرت، قسم دوم احتکار است؛ زیرا اوّلاً امام علی(ع) نتیجه ضیق فاحش و بخل قبیح را احتکار خوانده است؛ در حالی که منظور از احتکار در فقه، احتکار اجناس و حبوبات می باشد.دوم این که حضرت «تحکّما فی البیاعات» را به احتکار منافع عطف نموده اند که ال در البیاعات (جمع معرف به الف و لام) افاده عموم می کند؛ در حالی که احتکار فقهی چنین معنایی را نمی رساند.(۸) برخی از فقها چنین تفسیری را از احتکار منافع خیلی روشن نمی پندارند؛ ولی در معنای «تحکّما فی البیاعات» تفسیر فوق را ممکن می دانند؛ زیرا «زورگویی در خرید و فروش به این است که یک چیزی از قیمت عادله گران تر فروخته شود در اثر این انحصاراتی که تولید کردند و سطح قیمت ها را یک عده خاصی در اختیار خودشان گرفتند.این سبب می شود که در خرید و فروش زورگویی بشود و این عمل غیر از احتکار است.»(۹).

*****

الکلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۵۳؛ الحرّانی، تحف العقول، ص ۲۱۶.

الریشهری، موسوعه الامام علی بن ابی طالب(ع)، ج ۴، ص ۱۷۷.

دعائم الاسلام، ۲/۵۳۸/۱۹۱۳.همچنین برای روایاتی در همین زمینه رجوع کنید به: الریشهری، همان، ص ۱۷۵ ۱۸۲.

همان، ص ۱۶۷.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

الخوئی، منهاج البراعه، ج ۲۰، ص ۷۰ ۲۶۹.

همان، ص ۲۷۱ ۲۷۲.

منتظری، درس هایی از نهج البلاغه، ص ۲۶۳.

جمع آوری مالیات و تنظیم بیت المال

دولت اسلامی برای تأمین وظایف خود اقدام

به جمع آوری مالیات و تنظیم بیت المال کرد.(۱) از این رو امام علی(ع) کارگزارانی را برای جمع آوری زکات، خراج، جزیه و...تعیین نمودند.(۲).

*****

نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴، ص ۵۴۳.

ر.ک: ذاکری، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب و مقاله «بیت المال» در مجموعه حاضر.

منابع مالی دولت علوی

دولت علوی، برای اداره جامعه و ادای وظایفی که بیان شد، دارای اموال و در آمدهایی است.برخی از این اموال به طور مستقل متعلق به دولت است (انفال) و برخی دیگر متعلق به عموم مسلمانان، که در عین حال در اختیار دولت اسلامی قرار دارد.در واقع دولت اسلامی از آن جا که حافظ منافع و مصالح عامه جامعه است، سرپرستی این اموال را بر عهده دارد.امام(ع) درباره انواع مختلف مال ها، می فرماید:

«قرآن بر پیغمبر(ص) نازل گردید و مال ها چهار قسم بود: مال های مسلمانان که آن را به سهم هر یک میان میراث بران قسمت نمود؛ غنیمت جنگی که آن را بر مستحقانش توزیع فرمود؛ خمس که آن را در جایی که باید نهاد، و صدقات که خدا آن را در مصرف های معین قرار داد.»(۱).

در کلام امام(ع) اموال غیر شخصی، شامل فی ء، خمس و صدقات می شود.قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا أَفَاءَ اللّه ُعَلَی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلاَ رِكَابٍ وَلكِنَّ اللّه َيُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَی مَن يَشَاءُ وَاللّه ُعَلَی كُلِّ شَیءٍ قَدِيرٌ.مَا أَفَاءَ اللّه ُعَلَی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَی فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْيَتَامَی وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَیْ لاَ يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ»(۲).

محققان درباره مفهوم فی ء در آیه شریفه و روایات، نظرهای مختلفی

داده اند.(۳) شاید با توجّه به ظاهر روایات بتوان گفت فی ء شامل غنائم جنگی، انواع انفال، خراج و جزیه می شود.آیه انفال در غنائم جنگ بدر نازل شده است، امّا بعد از آن لفظ انفال در اموالی که از طریق غیر جنگ به دست آمده، استعمال شد.بنابراین بر خراج و جزیه اطلاق نمی گردد.غنائم جنگی نیز قسیم انفال و فی ء است و بر حسب استعمالات شایع، لفظ فی ء مساوی با لفظ انفال و یا اگر خراج و جزیه را شامل انفال ندانیم اعم از آن است.فی ء و انفال نیز قسیم صدقات و خمس اند.(۴) البته فی ء در سخنان متعدّد امیرالمؤمنین(ع) گویا شامل غنائم جنگی نیز می شود.(۵) امام(ع) در نامه ای به یکی از کارگزاران خود که در اموال عمومی خیانت کرده بود فی ء را مُلک مجاهدان بر می شمارد:

«...تَبْتاعُ الإِماءَ و تنكِحُ النساءَ مِن أموالِ اليتامى والمساكينِ والمؤمنين والمجاهدينَ الذين أَفآءاللّه ُعليهم هذه الاموال؛(۶) تو چگونه از مال یتیمان، مساکین و مؤمنانِ مجاهد که خداوند این اموال را بدانان بازگرداند کنیز می خری و زنان به نکاح درمی آوری؟»

به هر روی امام(ع) آیه شریفه انفال را این گونه شرح می دهد:

«ان للقائم بامورالمسلمين الانفال التى كانت لرسول اللّه، قال عزوجّل يسألونک عن الانفال قل الانفال للّه و الرسول.فما كان للّه و لرسوله فهو للامام.»(۷).

در طلیعه نامه خود به مالک اشتر نیز وظیفه او را جمع آوری خراج (و جبایه خراجها) برمی شمرد.(۸).

جزیه نیز از منابع مالی حکومت اسلامی است که از اهل ذمّه گرفته می شود.(۹).

بنابراین منابع مالی در حکومت علوی، شامل: زکات و صدقات؛ خمس؛ غنائم

جنگی؛ فی ء که شامل خراج و جزیه می شود؛ و انفال می باشد.

همچنین مالیات حکومتی را نیز می توان بر منابع مالی دولت افزود.زیرا بنابر نقل امام باقر و امام صادق(ع) حضرت امیر(ع) بر هر اسب از اسب هایی که آزاد می چریدند، در هر سال دو دینار و بر اسب های تندرو در هر سال یک دینار وضع نمود.(۱۰) بنابر ظاهر این روایت، حضرت مالیات جدیدی قرار داده است.هر چند اغلب فقها این روایت را بر زکات مستحبی حمل کرده اند، از ظاهر روایت چنین برمی آید که امام(ع) چنین زکاتی را می گرفتند.بنابراین می توان حکم در این روایت را در برابر روایاتی که زکات را منحصر بر نُه چیز می شمارند، حکم حکومتی ولیّ امر دانست.

منابع مالی در دوران علی(ع) از وضعیّت مناسبی برخوردار نبود و اوّلین خلل بعد از مرگ عثمان و روی کار آمدن علی پیدا شد؛ زیرا مصر دیگر مالی را برای مدینه و برخی مناطق حجاز نفرستاد.(۱۱) بیت المال بصره بر اثر تسلّط عایشه و طلحه و زبیر، بر آن پخش و پراکنده شد.(۱۲) آشوب های خراسان در این دوره نیز موجب ضعف منابع دولت شد.(۱۳) علاوه بر موارد پیش گفته، جنگ های آزادی بخش که در دوران سابق، موجب عایدات فراوانی می شد، به سبب جنگ های داخلی متوقّف شد و به طور کلّی اوضاع و احوال اقتصادی دوران علی را آشفته کرد و درآمد جامعه را تنزّل داد؛ در حالی که در دوران عثمان، درآمدها در اوج خود بود.(۱۴) امیرالمؤمنین(ع) با وجود درگیری های سیاسی و نظامی فراوان، هرگز از حفظ درآمدهای عمومی غافل نشد

و آن چنان در امر بیت المال سخت گیر بودند که بعضی از کارگزاران متخلّف از ترس مجازات شدید به دشمن حضرت پیوستند.تصرّف در بیت المال، هر چند به ظاهر پسندیده ولی خارج از حکم قانون و شرع از بازرسی امام عادل استثنا نشد و خطاکار همانند خائنی که اموال بیت المال را برای خود و اطرافیانش مصرف کرده است، حسابرسی و مجازات می شد.داستان مصقله بن هبیره را برای نمونه در این جا ذکر می کنیم:

معقل بن قیس (یکی از سرداران سپاه علی) در نبردی نصارای بنی ناجیه را اسیر کرد و در مسیر به مصقله بن هبیره شیبانی، کارگزار علی(ع) در «اردشیر خره» برخورد.عدد اسرا پانصد تن بود.زنان و بچه ها با دیدن مصقله، شروع به گریه کردند و فریاد مردان بلند شد: «ای ابوالفضل، و ای پناه دهنده ضعفا،...بر ما منت نهاده، ما را خریده و آزاد نما.» مصقله تحت تأثیر احساسات واقع شده، گفت: «به خدا قسم که بر آنها صدقه می دهم؛ زیرا خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد....» آنان را به پانصد هزار درهم خرید.معقل اسرا را به او تحویل داد و گفت در فرستادن مال برای امیرالمؤمنین شتاب نما.مصقله گفت الان مقداری از آن را می فرستم و همین طور تا این که چیزی از آن باقی نماند.معقل حضرت را از ما وقع مطلع ساخت...حضرت متوجه شد که مصقله اسرا را آزاد کرده و از آنها مالی جهت آزادیشان نگرفته است.از این رو فرمود: «من مصقله را نمی بینم جز این که مسئولیتی را به عهده گرفته است که به زودی در آن گرفتار خواهد شد.» سپس

حضرت طی نامه ای به او نوشت.«امّا بعد.از بزرگ ترین خیانت ها، خیانت به جامعه است و بزرگ ترین غش به مردم شهر، غش و خیانت به امام و رهبر.پانصد هزار درهم از حق مسلمین پیش تو است، وقتی که فرستاده من آمد، به وسیله او آنها را بفرست و گرنه وقتی که نامه مرا مطالعه کردی، به جانب من حرکت کن.همانا به فرستاده خود گفته ام که حتّی یک ساعت تو را تنها نگذارد.مگر این مال را بفرستی.»(۱۵).

مهم ترین نکته ای که از حکومتِ حکیمانه علوی باید آموخت حرکت اصولی و رسالت مدارانه حضرت است: در حالی که درآمدهای دولت کاهش یافته و از سوی دیگر هزینه های آن بر اثر درگیری های نظامی و بسط عدالت و رفع فقر از چهره جامعه رو به فزونی است، امام حکیم، افزایش زودگذر منابع دولت را وجهه همت دولت خود نساخت و در جمع آوری مالیات ها مصلحت مردم را بر هر چیز دیگری مقدّم داشت، و سیاست ها و تدابیری را به کار بست که الگوی مناسبی برای سیاست گذاران و کارگزاران کشورهای اسلامی شد.

*****

نهج البلاغه، حکمت ۲۷۰.

یعنی: و آنچه را خدا از آنان (بهره) به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن، نه اسبی تاختید و نه شتری...آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آنِ خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

بحث تفضیلی این مطلب را در مقاله «بیت المال» در همین مجموعه ملاحظه نمائید.همچنین به

منبع زیر مراجعه کنید: المنتظری، حسینعلی، در اسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۳، ص ۳۴۳۳۶۴.

همان، ص ۳۴۹ ۳۵۰.

نهج البلاغه، خطبه های، ۳۴، ۴۰، ۲۳۲، نامه های ۲۰ و ۴۳.

نامه ۴۱.

غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۷۰.انفالی که به رسول خدا اختصاص دارد، از آن حاکم اسلامی است.خداوند می فرماید: «از تو درباره انفال می پرسند؛ بگو: از آن خداوند و فرستاده او است.» پس هر چیز که به خداوند و فرستاده اش اختصاص دارد، مال امام است.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.همچنین ر.ک: خطبه های ۳۴ و ۴۰.

همان، نامه ۵۳.

الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۵۱.

الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴، ص ۱۰۰.

الیعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۸.

البلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۹۹.

نجمان یاسین، تطور الاوضاع الاقتصادیه فی عصرالرساله و الراشدین، ص ۳۴۰.

ذاکری، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب، ج ۱، ۸ ۳۶۶.

اندازه دولت علوی

دولت ها بسته به ترکیب عواملی چون فرهنگ، موهبت های طبیعی، فرصت های تجاری و توزیع قدرت، در شکل ها و اندازه های مختلف بوده اند.(۱) تقسیم بندی های متفاوتی درباره انواع دولت از جهات مختلف (رابطه دولت با شهروندان، اهداف اقتصاد کلان، در رابطه با توسعه و...) صورت گرفته است.(۲) یکی از مهم ترین معیارهای دسته بندی، تقسیم بر پایه قلمرو دخالت دولت در اقتصاد است.بر این پایه دولت ها را به سه دسته کلی تقسیم می کنند:

۱.دولت حدّاقل (کلاسیک)؛

۲.دولت متوسط (رفاه)؛

۳.دولت حدّاکثر (برنامه ریزی متمرکز).(۳).

تبیین اموری که دولت ها بر عهده دارند، می توانـد در جهت تمایز این دولت ها و سنجش اندازه دولت علوی در بین دولت های رقیب مفید باشد.این امور در اصطلاح بودجه عبارتند از:(۴).

امور

عمومی: مجموعه ای از وظایف کلاسیک و عمومی دولت که موجبات برقراری عدالت، حفظ نظم و امنیّت داخلی، روابط خارجی، وضع قوانین و اعمال حاکمیت دولت را در تنظیم روابط دستگاه های دولت با یکدیگر، تنظیم روابط دستگاه های دولت با مردم و روابط دستگاه دولت با نیروی کار و سرانجام روابط افراد با یکدیگر در برابر قانون به منظور حفظ نظام کشور تعیین می نماید.

امور دفاعی: مجموعه ای از وظایف دولت که در جهت حفظ و حراست از مرزهای کشور و برقراری ثبات سیاسی از طریق دفاع نظامی و غیرنظامی کشور به منظور حفظ و گسترش امکانات توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می آورد.

امور اجتماعی: مجموعه ای از وظایف دولت که امکانات زیست مطلوب انسان را در اوقات مختلف کار، فراغت و استراحت جهت تعادل های اجتماعی برقرار می کند.

امور اقتصادی: مجموعه ای از وظایف دولت که امکانات تولید به توزیع و مصرف را از طریق ایجاد و توسعه ظرفیت های اقتصادی در جهت تعادل های اقتصادی در جامعه برقرار می سازد.

دولت حداقل

دولت حداکثر

دولت متوسط

اختیار قانونگذاری در قلمرو آزاد

تشخیص اولویت ها و نیازها و عناوین ثانویه

ولایت بر تطبیق اقتصاد اسلامی

*****

بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ص ۴۴ ۴۶.

رنانی، محسن، ماهیّت و ساختار دولت در ایران، ص ۲ ۱۰؛ دادگر، یداللّه، مالیه عمومی و اقتصاد دولت، فصل دوم.

همان.

فرزیب، علی رضا، بودجه ریزی دولتی در ایران، ۲۳۴ ۲۵۰.

دولت حداقل

در این نوع دولت، هم مالکیت عمومی و هم میزان مـداخله دولت در حـدّاقل لازم است.ترجیحات انفرادی محترم بوده و منافع اجتماعی مبتنی بر منفعت فردی است.دولت، تنها نقص ها و کاستی های مکانیزم

بـازار را جبران می کند.حدّ تصـدّی گری در این نوع دولت، محـدود به امور عمومی، امور دفاعی و تا حـدود انـدکی به امور اجتماعی (آموزش و...) است.

*****

دولت حداکثر

دولت برنـامه ریز متمرکز، قطب مخالف دولت حـدّاقل است.در این دولت افزون بر تمامی ابزارهای تولیـد که به تملّک دولت در می آیـد، همه تصـمیمات اقتصـادی نیز به طور متمرکز از سوی دولت اتّخاذ می شود، و دولت در تمام امور چهارگانه فعّال است.

*****

دولت متوسط

طیفی از انواع دولت ها است که در حدّ فاصل میان دو حدّ افراطی این تقسیم بندی قابل شـناسایی اند.دولت رفاه، دولتی است که علاوه بر امور عمومی و دفـاعی، در امور اجتمـاعی و اقتصـادی نیز فعّـال است.البته مفهوم دولت رفـاه، ماننـد مفـاهیم فقر و برابری فرصت، اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است.طیف گسترده ای از دولت ها در این عنوان جای دارند.

دولت هـا با ایفای نقش بیش تر در زمینه امور اجتماعی و همچنین تصـدی بیش تر در امور اقتصادی به دولت حـدّاکثر نزدیک می شونـد.امّا دولت هایی نیز با واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصـی، به سـمت دولتِ حدّاقل گرایش دارند؛ هر چند بر عهـده گرفتن وظایف در امور اجتماعی نیز می توانـد این دولت ها را از یکـدیگر متمایز سازد.نمودار زیر انواع دولت ها را در رابطه با نقش آنها در اقتصاد، نشان می دهد.(۱).

سهم دولت در اقتصاد ۱۰۰٪.دولت برنامه ریزی متمرکز.دولت برنامه ریزی بخشـی.دولت سوسیال دموکرات.دولت رفاه.دولت کینزی.دولت حدّاقل کلاسیکی

اکنون بـا توجه به وظـایف و منـابع مالی و اختیارات دولت علوی، می توان جایگاه آن را کمابیش روشن ساخت.دولت علوی، مانند دیگر دولت ها، در امور دفاعی فعّال بود.در اندیشه امام علی(ع)، برقراری سپاه جز به وسیله خراج امکان پذیر نیست.(۲) بنابراین هزینه تجهیزات و استحکامات دفاعی و پرداخت حقوق پرسنل نظامی، مانند زمان رسول خدا(ص) از

بیت المال تأمین می شد.

در تشکیلات ساده دولت علوی، امور دارای ویژگی های خاص است.هر چند قانون حکومتی در دایره شرع تعیین می شود، حکومت علوی در سه زمینه زیر برای خود اختیارات حقوقی قائل بود:

اختیار قانونگذاری در قلمرو آزاد

تشخیص اولویت ها و نیازها و عناوین ثانویه

ولایت بر تطبیق اقتصاد اسلامی

*****

رنانی، ماهیّت و ساختار دولت در ایران، ص ۲۰۱.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

اختیار قانونگذاری در قلمرو آزاد

در مقابل احکام ثابت و دائمی، احکام متغیّری وجود دارد که بنابر مقتضیات و مصالح زمان به وجود آمده اند.محدوده پیدایش این احکام متغیّر، مباحات است.ولیّ امر بر مبنای ولایتی که بر جامعه دارد، در دایره این مباحات تصرّف می کند و بنابر مقتضیات و مصالح مورد نظر حکم الزامی را تشریع و وضع می نماید.سیاست های اقتصادی امام از قبیل جلوگیری از احتکار، ضامن دانستن رنگرزان و طلا سازان به منظور رعایت احتیاط در مورد اموال مردم (و مراقبت در حفظ آنها)(۱) دستور اخذ مالیات از اسب،(۲) و غیره...(۳) اساس حق قانونگذاری وی در این دایره می باشد.

*****

الحرالعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۷۲ ۲۷۴؛ الشیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۱۹ ۲۲۰.

ر.ک: ص ۱۶.

عاملی، جعفر مرتضی، بازار در سایه حکومت اسلامی، ص ۶۵ ۷۵.

تشخیص اولویت ها و نیازها و عناوین ثانویه

اجرای حقوق اقتصادی در بعضی موارد موجب تزاحم دو حق اجتماعی و یا یک حق اجتماعی و یک حق فردی می گردد.تشخیص حق و حکم اهمّ و تقدیم آن بر حکم الزامی از وظایف و اختیارات حقوقی ولیّ امر است.

*****

ولایت بر تطبیق اقتصاد اسلامی

یکی دیگر از مسئولیت های حقوقی ولیّ امر، ولایت و اختیارات وی درباره اجرا و تطبیق قوانین و احکام اسلامی و تعیین شکل و قالب مناسب با روح این قوانین است.تعیین قُضات، استانداران، کارگزاران، بازرسان و ناظران بر بازارها و دستوراتی که حضرت برای اجرای دقیق و نحوه آن به کارکنان دولت می دادند، بر پایه همین اختیار حقوقی بوده است.

حفظ امنیّت، مبارزه با ظلم و تعدّی و احقاق حقوق مظلومان در دستگاه حکومت علوی همچنان که گذشت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.از این رو امام(ع) درباره دستگاه قضاوت می نویسد:

«آن گاه، با جدّیت هر چه بیش تر قضاوت های قاضی را بررسی و زندگی او را کاملاً تأمین کن.آن چنان که نیازمندیش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند.»(۱).

همچنین روایت شده که حضرت نمی پسندیدند حقوق قاضی از طرفین دعوا گرفته شود؛ بلکه بیت المال را منبع تأمین حقوق قاضی می دانستند.(۲) معتقد بودند وضع زندگی کارمندان دولت بایستی از چنان کیفیتی برخوردار باشد که جلوی خیانت آنان را از بیت المال بگیرد.

«سپس حقوق کافی به آنها بده؛ زیرا این کار آنان را در اصلاح خویش تقویت می کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آنها است، بی نیاز می سازد.به علاوه این حجتی در برابر آنها است، اگر از دستورات سرپیچی کنند، یا در امانت خیانت

ورزند.»(۳).

حکومت علوی به دلیل مسئولیت در برابر امور دینی و معنوی جامعه، با کسانی که درصدد تخریب اعتقادات مردم و بدعت گذاری در دین مردم بودند، مبارزه منطقی و سخت می کرد.از این رو بر هزینه اداره دستگاه حکومت علوی افزوده می شد.

دولت علوی بر اثر آرمان عدالتخواهی، در امور اجتماعی هزینه سنگینی را متحمّل شد.محو سایه شوم فقر از جامعه اسلامی، حمایت از سطح زندگی مطلوب برای کلّیه اعضای جامعه و تأمین بازنشستگان، قلم عمده ای از منابع مالی دولت علوی، به ویژه زکات و نیمی از خمس را به خود اختصاص می داد.

هزینه آموزش و پرورش نیز یکی از موارد و مصرف بیت المال بود؛ هر چند در آن دوران وظیفه دولت به گستردگی امروز نبوده است.عمران و آبادی شهرها و روستاها نیز از دغدغه های اصلی حکومت علوی است.(۴) گفتنی است که نقش بخش اختیاری (خیریه) در تأمین امور دفاعی و اجتماعی در اسلام بسیار حائز اهمیت است.انفاقات شبانه و حمایت مستمر از مستمندان و اوقاف متعدد و گسترده که توسط امام علی حتی در دوران خلافت صورت گرفت، گواه صدقی است که این بخش می تواند دولت را در این امور یاری رساند و از گسترش حجم دولت بکاهد.

برخلاف امور عمومی، دفاعی و اجتماعی که حکومت علوی در آنها بسیار فعال بود، در امور اقتصادی کم تر دخالت کرده است.نظارت بر بازار و حمایت از بخش خصوصی از طریق کمک به ایجاد امور زیربنایی و رفع موانع تولید و کاهش بار مالیاتی، موضوعاتی هستند که دولت در این زمینه نقش داشت.تصدّی دولت در امور اقتصادی شاید در سطح حفظ و نگهداری

چـار پایـانِ متعلَّق زکـات و احتمالاً ـ زمین هایی که برای چرای این گونه حیوانات و نظایر آن قرق می شـده است، محـدود می گردیـد.البته زمین هـای خراجیه در مـالکیت دولت بـود که برای کشت، در اختیـار زارعـان قرار می گرفت؛ در عـوض از آنها خراج دریافت می شد.ولی زمین ها و شغل هایی نیز مالکیت خصوصی داشتند.

بنابراین دولت علوی را می توان دولت متوسط قلمـداد نمود که در امور اجتماعی مسئولیت زیادی را بر عهده داشت.ولی ذکر یک نکته درباره این گمانه زنی لازم است:

تبیین انـدازه دولت علوی بـا توجّه به معیارهـای وظـایف، منـابع و اختیـارات قـانونی صورت گرفته است؛ امّا این که آیا انـدازه دولت در زمـان فعلی نیز بـدینسان است، احتیـاج به یـک بررسـی فقهی و تطـبیق احکـام بـا توجّه به شـرایط و مقتضـیات زمـان دارد.در حالی که منابع فقهی عمدتا قرآن و روایات سایر ائمه(ع) بوده و روایاتی که از امام علی(ع) موجود است برای استنباط تمام احکام مسئله کافی به نظر نمی رسد، جهت گیری کلّی دولت علوی با توجّه به آنچه گذشت و همچنین اهداف و سیاست های اقتصادی حضرت که در بخش دوم بدان اشاره می شود به سمت دولت متوسط با وضعیّت پیش گفته می باشد.

*****

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

الحکومه الاسلامیه فی احادیث الشیعه الامامیه، ص ۶.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

همان.

سیاست های اقتصادی دولت علوی

سیـاست هـای اقتصادی هر دولتی، تبلور انـدیشه و منش دولتمردان در حلّ مشـکلات اقتصادی اجتماعیِ جامعه است.در دولت مسئول و خـدمتگزار علوی همـان گونه که در بخش پیشـین گـذشت دغـدغه اصـلی، حفاظت از کرامت مردم و نه بقای خود است.اقدامات و تدابیر به گونه ای اتخاذ شده اند که

مردم نقش برجسته ای را ایفا کنند.دولت در این راه بستر ساز و حامی حرکت های مردمی در تمامی عرصه های اجتماعی می باشد؛ زیرا نه تنها به توانایی مردم اعتماد بود، بلکه این مردم هستند که باید مسئولیت اداره زندگی خود را در ابتلائات، رونق و رکود برعهده گرفته، نردبان ترقّی را بپیمایند.مهم ترین ویژگی و برتری دولت علوی بر دولت های رقیب، مراقبت از این اصول و روی نتافتن از آن، در وضعیّت های دشوار است.امام علی(ع) با درک صحیح از نا به سامانی ها و انحراف از آرمان های مقدس و بلند نبوی(ص)، کوشید تا علی رغم مشکلات تحمیلی، تدابیری در پیش گیرد که اهداف عالی اسلام را تضمین نماید.بخش دوم مقاله، برای اثبات این مدّعا به بررسی وضعیّت جامعه اسلامی تا پیش از خلافت امام(ع)، اهداف و سیاست های اقتصادی دولت علوی می پردازد.

مفاهیم کلّی

تعریف سیاست اقتصادی

ساختار منطقی مسائل سیاست های اقتصادی

انواع سیاست های اقتصادی، اهداف و ابزار در اقتصاد

وضعیّت اقتصادی به هنگام خلافت علی

هدف های سیاست های اقتصادی دولت علوی

بسط عدالت اجتماعی اقتصادی

عمران و آبادانی (توسعه و رشد اقتصادی)

ثبات قیمت ها

روابط مابین هدف ها

سیاست های اقتصادی (ابزارها و تدابیر) در دولت علوی

سیاست های مالی

زکات

خراج

*****

مفاهیم کلّی

تعریف سیاست اقتصادی

ساختار منطقی مسائل سیاست های اقتصادی

انواع سیاست های اقتصادی، اهداف و ابزار در اقتصاد

*****

تعریف سیاست اقتصادی

سیاست اقتصادی بخشی از سیاست دولت ها است.سیاست اقتصادی به معنای خاص، کلّیتی از تدابیر اقتصادی است.با دیدگاهی محدودتر می توان آن را کاربرد تدابیر خاص برای وصول به اهداف معین تلقی کرد.(۱) امروزه از علم اقتصاد دو گونه استفاده می شود: نخست استفاده، تشریح، تبیین و پیش بینی سیر تولید، تورم و درآمدها است؛ لیکن بسیاری برآنند که ثمره تلاش های فوق را باید در کاربرد دوم این علم، یعنی بهبود بخشیدن به عملکرد اقتصادی یافت.(۲) در این صورت سیاست های اقتصادی در حوزه اقتصاد دستوری قرار می گیرد؛ زیرا تدابیر اقتصادی معمولاً شامل قضاوت درباره ارزش ها است؛ یعنی با مسائل «چه باید باشد» و «چه نباید باشد» سر و کار دارد.از این جهت سیاست اقتصادی منشأ مجادله هایی درباره ارزش نظریه های اقتصادی و سیاست اقتصادی واقع می شود.(۳).

البته سیاست اقتصادی به منزله یک علم اثباتی در علم اقتصاد، درباره دیدگاه های گوناگون در این حوزه بحث می کند.این علم می کوشد ابتدا واقعیّات محسوس و عینی را که ضمن عمل به دست آمده است، به طور منظم بیان و درجه بندی کند.مهم ترین وظیفه این علم در این زمینه توضیح این مطلب است که چرا عاملان اقتصادی در شرایط معین به طور نمونه ای و خاص رفتار می کنند.در مرحله بعدی، تحلیل هدف ها و مناسبات و پیش بینی تأثیرات ناشی از تدابیر اقتصادی را که با روش های گوناگون و در مشاهده با مقامات صلاحیت دار سیاسی حاصل می شود بحث می کند.بنابراین مبانی

توضیحی علم سیاست اقتصادی در مقایسه با مبانی تئوری های اقتصادی کم تر انتزاعی است.(۴).

*****

ایسینگک، اوتمار، سیاست اقتصادی عمومی، ترجمه هادی صمدی، ص ۸.

ساموئلسن، پل و ویلیام نورد هاوس، اقتصاد، ترجمه، نوروزی و جهان دوست، ج ۱، ص ۲۵.

تفضّلی، فریدون، اقتصاد کلان، نظریه ها و سیاست های اقتصادی، ص ۲۶.

ایسینگک، همان، ص ۹.

ساختار منطقی مسائل سیاست های اقتصادی

مسائل فراوانی که سیاست اقتصادی با آنها درگیر است، جدا از ویژگی های خاص زمان و مکان وقوع آنها، ساختار منطقی مشابه و واحدی دارند.در واقع مسئله سیاست اقتصادی از سه عنصر تشکیل می شود:

وضعیّت؛ اهداف؛ ابزارها.

وضعیّت به منزله اوّلین عنصر، عبارت است از وضعیّت کنونی اقتصاد.وضعیّت، همچنین شامل عوامل علّی و چگونگی ادامه توسعه و روند احتمالی آن در آینده نیز می شود.این وضع ممکن است مستقل از هر فعّالیّت سیاسی و صرفا از طریق تحقیقات اقتصادی تحلیل شود.به هر روی باید در نظر داشت که همیشه هدف ها و ابزارها به وسیله عاملان سیاست ها به یک وضعیّت معین مرتبط می شوند.(۱).

اهداف، به منزله عناصر تشکیل دهنده سیاست اقتصادی، گویای مسیر حرکت عمل سیاسی اند.اصولاً برای این که بتوان دست به عمل زد، مقامات سیاسی باید ذهنیت روشنی درباره این که در اصل چه می خواهند و چه شرایطی را در بررسی وضعیّت مطلوب می دانند، داشته باشند.از این رو می توان هدف ها را نوعی تصورات مربوط به وضعیّت مطلوب سیاسی تعریف کرد.

یک هدف ممکن است در عین حال ابزاری در راه نیل به اهداف بالاتر باشد.در چنین حالتی، این هدف از هدف های اوّلیه یا هدف های بینابین است.در حالی که هدف بالاتر را می توان هدف نهایی

یا عالی نامید.ویژگی هدف ناب اگر بخواهیم این اصطلاح را در جای خود و با دقت به کار بریم در این است که به سهم خود ابزار رسیدن به هدف های دیگر قرار نگیرد.

در تشریح مسائل سیاست اقتصادی، این مشکل هست که در قلمرو خاص اقتصاد به هیچ وجه هدف نهایی مطرح نمی شود، حتی رفاه ملّی و اعتلای سطح زندگی مردم که همواره و بیش تر به منزله هدف نهایی سیاست اقتصادی در نظر گرفته می شود، در نهایت فقط ابزاری برای تحقق هدف های اجتماعی سیاسی دولت است.(۲) روابط بین هدف ها از وضعیتی ناشی می شود که در آن چندین هدف مطرح می باشد.در این صورت باید میان سه دسته از هدف ها تفاوت گذاشت؛ یعنی: ۱.اهداف خنثا؛ ۲.اهداف رقیب؛ ۳.اهداف مکمل و هماهنگ.

ابزارها برای تغییر وضعیّت طبق هدف ها استفاده می شوند.در منابع علمی و تحقیقی از واژه های ابزار، متغیر ابزار، شاخص ها (پارامترها)ی عمل، وسیله، تدابیر، اسباب، دخالت و مداخله، غالبا به یک معنا استفاده می شود.در کنار آن رسم و سنتی هست که به موجب آن «ابزار» را در معنای عام می فهمد؛ امّا هنگام کاربرد، آن را به صورت تدابیر یا اقدامات درمی یابد.مثلاً تعرفه گمرکی یک ابزار و تغییر دادن آن یک تدبیر یا اقدام می باشد.(۳) ابزارها با توجّه به شکل و محتوای آنها و بر حسب دیدگاه های گوناگون طبقه بندی می شوند.در فهرست زیر نظم و ترتیب آن از لحاظ آموزشی، منطقی و درست جلوه می کند.از این لحاظ ابزارها به سه دسته تقسیم می شوند:

۱.رهنمود اخلاقی معنوی یا کاربرد ابزاری اطلاعات.در این

موارد پایه و اساس قانونی وجود ندارد و طبق محاسبات در عمل تقریبا نیمی از امور سیاست اقتصادی را تشکیل می دهد.

۲.ابزارهای کیفی یا شرایط چهار چوبی حقوقی.بر اساس چهارچوب های حقوقی برای تنظیم فعّالیّت عاملان اقتصادی در سطح اقتصاد خُرد و برای فعّالیّت های اقتصاد خُرد و کلان، دولت به کار گرفته می شود.

۳.ابزارهای کمّی.ابزارهای کمّی بر اساس زیربنای حقوقی برای سیاست اقتصاد خُرد و اقتصاد کلان مورد استفاده قرار می گیرند.(۴).

در مرحله اجرا، کاربرد ابزارها مسائل گوناگونی را به همراه دارد.یکی از مهم ترین آنها مقاومت افراد و مقاماتی است که مشمول این سیاست ها می شوند و همین امر به مشکل شدن اجرای تدابیر و اقدامات سیاست های اقتصادی می انجامد.عاملان اقتصادی با انگیزه های متعدد اقتصادی و غیر اقتصادی در برابر سیاست های اقتصادی از خود مقاومت نشان می دهند.

*****

همان، ص ۱۰.

همان، ص ۱۸.

همان، ص ۲۳.

همان، ص ۲۵.

انواع سیاست های اقتصادی، اهداف و ابزار در اقتصاد

در طول تاریخ، ملّت ها تلاش چندانی برای تأثیر گذاردن بر کارکرد اقتصادی خود نداشته اند؛ امّا با بسط اقتصاد کلان جدید، دانش چگونگی تأثیر سیاست های دولت بر اقتصاد پیشرفت کرده است.بدین سان اکنون شناخت بهتری نسبت به ابزارهای سیاست اقتصادی وجود دارد.در میان هدف های عمده، اشتغال کامل، ثبات قیمت ها، توزیع مجدد درآمدها، رشد و ثبات بین المللی (موازنه پرداخت ها) به درجات گوناگونی به وسیله بیش تر دولت های جدید و پیشرفته دنبال شده اند.(۱).

هر دولتی برای دستیابی به اهداف اقتصاد کلان خود، انواع ابزارها و سیاست ها را به کار می گیرد که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱.سیاست مالی.شامل مخارج دولت و مالیات بندی است.مخارج دولت نسبت میان

مصـرف عمـومی و مصـرف خصوصـی را کـاهش می دهـد؛ ولی ممکـن است بر سـرمایه گـذاری و تولیـد بـالقوه نیز تـأثیر گذارد.سـیاست مالی، دست کم در کوتاه مـدت بر مخارج کل و از این رو بر تولیـد ناخالص ملّی و تورم تأثیر می گـذارد.(۲) همچنین از سیاست مالی می توان برای توزیع مناسب درآمد، استفاده کرد.

۲.سـیاست پولی.بانـک مرکزی به منظـور تنظیم حجم پـول (عرضه پـول)، سـیاستِ پولی در پیش می گیرد.تغییرات عرضه پول موجب بالا یا پایین رفتن نرخ بهره (سود) شده، بر سـرمایه گذاری، تولید ناخالص ملّی (واقعی و بالقوه) مؤثر خواهد بود.بانک مرکزی از طریق به کـارگیری عملیـات بازار باز (خریـد و فروش اوراق)، تغییر نرخ تنزیل، تغییر نرخ ذخایر قانونی و همچنین از طریق تعیین اعتبارات (به طور مستقیم) مبادرت به سیاست پولی می کند.(۳).

۳.سـیاست هـای درآمـدی.ابزارهای مسـتقیم دولت برای تأثیرگـذاری بر رونـد دسـتمزد هـا و قیمت هـا به منظـور تعـدیل تورم است.البته این سیاست ها معمولاً با فشار بر دستمزدهای واقعی، موجب تغییر توزیع درآمد نیز می شوند.در کشورهای ثروتمند، پنج سـیاست عمده درآمدی تجربه شده است.یک نوع از آن بر رهنمودهای ناصـحانه متکی است که تا حدودی کارفرمایان و کارکنـان را تشویـق می نمایـد تـا نسبت به افزایش کم تری در دسـتمزد هـا و حقوق به توافق برسـند.انواع دیگر شامـل تثبیت دستمزد ها، قراردادن یک حدّ قانونی برای افزایش دستمزد ها و شاخص بندی دستمزد ها است.

۴.سـیاست اقتصادی خارجی.در واقع همان به کارگیری سـیاست های مالی و پولی در رابطه با صادرات و واردات است.طبیعی است که با توجه به اطلاعات ناکافی و مسائل اقتصادی خاص صدر اسلام، سیاست های اقتصادی

علوی در یک مفهوم تقریبی و به معنای عام تری بررسی می شود.

*****

ژاکمن، الکس و هانری تولکان، مبانی علم اقتصاد، ص ۶۹۷.

ساموئلسن و نوردهاوس، ص ۱۴۵.

سیاست های پولی در نظام بانکداری غیر ربوی با تغییر نرخ سود و اعتبارات صورت می گیرد.ر.ک: فراهانی فرد، سعید، سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا.

وضعیّت اقتصادی به هنگام خلافت علی(ع)

پیش از آن که امیر مؤمنان علی(ع) زمام امور را به دست گیرد، تحوّلات اقتصادی عظیمی به تدریج در جامعه و حکومت روی داد و مناسبات متعادل اقتصادی عصر پیامبر(ص) به شدّت دگرگون شد: و عدالت اقتصادی رخ بر تافت و استکبار اقتصادی جلوه یافت.این تحول در دوران خلیفه سوم به صورت چپاول اقتصادی و مسکنت مالی، جامعه را به بحران کشاند.ثروت ها و دارایی های عمومی در اختیار یک طبقه خاص قرار گرفت؛ به طوری که جامعه به شدّت گرفتار انبوهداری و فزونخواهی از یک سو و نیازمندی و نا داری از دیگر سو شده بود.با نگاه مالک مدارانه زمامداران به مردمان و به اموال و دارایی ها، هر گونه خود می خواستند با مردمان و حرمت و اموال و امانت ها، رفتار کنند.

علی(ع) در خطبه شقشقیه عثمان را این سان می شناساند:

«...تا سومین به مقصود رسید و همچون چار پا بتاخت، و خود را در کشتزار مسلمانان انداخت، و پیاپی دو پهلو را آکنده کرد و تهی ساخت.خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر که مهار بُرد، و گیاه بهاران چرد...»(۱).

مسعودی دوره زمامداری عثمان را چنین بیان می کند:

«در ایام عثمان بسیاری از صحابه، ملک ها و خانه ها فراهم کردند؛ از جمله، زبیر

بن عوام خانه ای در بصره ساخت که تاکنون یعنی به سال سیصد و سی و دو معروف است...در مصر و کوفه و اسکندریه نیز خانه هایی بساخت...موجودی زبیر پس از مرگ پنجاه هزار دینار بود و هزار اسب و هزار غلام و کنیز داشت(۲)...عبدالرحمن بن عوف زهری خانه وسیعی ساخت.در طویله او یکصد اسب بود.هزار شتر و ده هزار گوسفند داشت و پس از وفاتش یک چهارم از یک هشتم (۳۲۱ (مالش ۸۴ هزار دینار بود.(۳) (که در مجموع ۲۶۸۸ هزار دینار می شود)»

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح بیانات پیش گفته علی(ع) به بخشش عثمان از بیت المال به اقوام خود تصریح می کند: «عثمان چراگاه های اطراف مدینه را به بنی امیه اختصاص داد و به مروان فدک را بخشید و دستور داد تا از بیت المال صد هزار درهم به او بدهند.زید بن ارقم مسئول بیت المال نزد عثمان آمد و در حالی که می گریست کلیدها را جلوی او نهاد.عثمان گفت: آیا از این که دخترم را عروس کردم می گریی؟ زید گفت: نه، بلکه من گمان کردم که تو این مال را عوض اموالی که در زمان رسول خدا(ص) انفاق کردی، دریافت نمودی.به خدا قسم اگر به مروان صد درهم داده شود، بسیار زیاد است.سپس عثمان گفت: پسر ارقم کلیدها را بگذار تا غیر تو را انتخاب کنیم».(۴) در این دوره بخشش قطائع و صوافی و زمین موات بسیار فزاینده شده بود، و با وجود این که عمربن خطاب در کوفه اقدام به اقطاع نمود، به طلحه و جریر بن عبداللّه و الربیل بن عمرو بخشید.(۵).اما عثمان در بخشش

قطائع فردی سخاوتمند و اهل مسامحه بود.بنابراین بسیاری از بزرگان صحابه، زمین هایی را که گاه به مساحت یک روستا بود، بخشید.عثمان بن عفان به عبداللّه بن مسعود (رض) زمین های نهرین، به عمار بن یاسر استنیا و به خبابْ صنعاء را بخشید.عثمان همچنین قریه هرمزان را به سعد بن مالک اعطاء نمود.(۶).

ابن آدم نقل می کند که نه رسول خدا(ص) و نه ابوبکر و نه عمر زمینی را نبخشیدند و اول فردی که زمین را بخشید و آن را فروخت، عثمان بود.(۷) چند نقل ابن آدم با سایر نقل های تاریخی درباره اقطاعات پیامبر(ص)، ابوبکر و عمر سازگاری ندارد؛ ولی این را که اوّلین فروشنده زمین های عمومی، عثمان بود، تأیید می کند.مسعودی درباره ثروت شخص عثمان می نویسد:

«عبداللّه بن عقبه گفت که دارایی عثمان در نزد خزانه دارش در روزی که کشته شد، ۱۵۰ هزار دینار و یک میلیون درهم بود و ارزش زمین او در وادی القری و حنین و غیر آن به ۱۰۰ هزار دینار می رسید و اسبان و شتران بسیاری بر جای گذاشت.»(۸).

بنابراین طبیعی بود که مردم در زمان عثمان از فزونی خراج بر او شکایت برند.(۹) تبعیضات ناروا و سیاست های غلط عثمان، موجب شد تا تعلیمات اسلامیِ پیامبر(ص) که تحول مهمّی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی ایجاد نمود، کم رنگ شود.امام علی(ع) در خطبه ای نتیجه دوری جامعه از سنّت محمدی(ص) را، چنین بیان می فرماید:

«شما در زمانی زندگی می کنید که نیکی از آن رخت بربسته و پیوسته دورتر می رود و بدی بدان روی نهاده است و پیوسته پیش تر می آید.شیطان طمع در هلاکت

مردم بسته و اکنون زمانی است که اسباب کارش نیک مهیّا شده و مکر و فریبش به همه جا راه یافته است.شکارش در چنگال او است.به هر کجا که خواهی چشم بگردان و مردم را بنگر؛ آیا جز درویشی که از درویشی اش رنج می برد یا توانگری که نعمت خدا را کفران می کند یا بخیلی که در ادای حق خدا بخل می ورزد تا بر ثروتش بیفزاید یا متمردی که گوشش برای شنیدن اندرز ها گران شده است، چیز دیگری خواهی دید؟ اخیار و صالحان کجایند؟ آزادگان و بخشندگان چه شده اند؟ کجایند آنان که در داد و ستد پارسایی می کردند و راه و روش پاکیزه داشتند.آیا نه چنین است که همگی از این جهان پست به جای آنها مانده اید؟ در میان گروهی فرومایگان که لب ها از به هم خوردن و بردن نامشان و نکوهش اعمالشان ننگ دارد.در این حال باید گفت: اناللّه و انا الیه راجعون.»(۱۰).

*****

نهج البلاغه، خطبه ۳.

المسعودی، مروج الذهب، ص ۳۳۲.

همان، ص ۳۳۳.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص ۹ ۱۶۸.

الطبری، همان، ج ۳، ص ۵۸۹.

ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۶۲؛ البلاذری؛ فتوح البلدان، ص ۳ ۲۷۲.

ابن آدم، کتاب الخراج، ص ۷۹.

المسعودی، همان، ص ۳۳۲.

همان، ص ۳۳۷.

نهج البلاغه، خ ۱۲۹.

هدف های سیاست های اقتصادی دولت علوی

اهداف اقتصادی دولت علوی را می توان با توجه به تعریف دولت و مبانی تشکیل آن و همچنین وظایف دولت، استخراج و به غائی و میانی، تقسیم کرد.سیاست های اقتصادی نیز تدابیر و اقداماتی (ابزار) هستند که برای رسیدن به این اهداف اتّخاذ می شوند.هدف غایی دولت اسلامی، اصلاح و تعالی افراد جامعه است، و همان گونه که

بیان شد اصولاً هدف تشکیل حکومت اسلامی برقراری حاکمیت الهی (ارزش ها و حدود الهی) و نزدیک تر نمودن مردم به سوی خداوند است.امام علی(ع) در این باره می فرماید:

«پروردگارا، تو می دانی که آنچه ما کردیم نه برای این بود که ملک و سلطنتی به چنگ آوریم و نه برای این که از متاع پست دنیا چیزی بیندوزیم؛ بلکه به خاطر آن بود که نشانه های از بین رفته دینت را باز گردانیم و اصلاح را در شهر هایت آشکار سازیم؛ تا بندگان ستمدیده ات، امان یابند و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر عملی گردد...»(۱).

امام(ع) در طول حکومت خود بیش از هر چیزی مردم را به تقوای الهی می خواند و آنان را از افتادن در دام دنیا و مادیگری نهی می فرمود.وی برای نیل به این هدف عالی، اهداف میانی را در حوزه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیگیری کرد، که مهم ترین اهداف اقتصادی او، بسط عدالت اجتماعی اقتصادی، عمران و آبادی (توسعه و رشد اقتصادی) و ثبات قیمت ها بود.هر یک از این اهدافِ میانی را به شرح باز می گوییم.

بسط عدالت اجتماعی اقتصادی

عمران و آبادانی (توسعه و رشد اقتصادی)

ثبات قیمت ها

روابط مابین هدف ها

*****

نهج البلاغه، خ ۱۳۱.

بسط عدالت اجتماعی اقتصادی

هنگامی که امام علی(ع) زمام حکومت را به دست گرفت، جامعه دچار فقر شدیدی بود، و این امر شکاف عمیقی میان دو طبقه ثروتمند و تهیدست به وجود آورد.از این رو امام(ع) نهایتِ تلاش خود را صرف کرد تا چهره جامعه اسلامی را از این ظلم مهلک پاک نماید و مناسبات عادلانه ای را که

پیامبر(ص) آورده بود، از نو حیات تازه ای بخشد.مبارزه همه جانبه و مستمر امام در راه عدالت، موجب شد تا نویسندگان از ایشان به عنوان صدای عدالت و شهید راه عدالت، نام برند و در وصف دادگستری های حضرت، دوست و دشمن سخن برانند.آنچه عدالت را به عنوان هدفِ برنامه ها و سیاست های اقتصادی دولت علوی شاخص کرد، جایگاه عدالت در اندیشه ناب و حکیمانه امام(ع) است.عدالت عهد الهی است که حضرت در خطبه شقشقیه چنین می فرماید:

«به خدایی که دانه را شکافت، و جان را آفرید، اگر بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی نمودند، و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را بر نتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می گذاشتم و پایانش را چون آغازش می انگاشتم.»(۱).

در اندیشه امام(ع) نظام حکومت بر پایه عدل است(۲) و قوام مردم بر عدلْ استوار.(۳).حکومت پایدار نمی ماند، مگر بر محور عدل.(۴) یاری خداوند در صورتی شامل دولت می شود که بر پایه عدل و عقل بنا شود؛ آن چنان که فرمود:

«هرگاه حکومت بر پایه های عدل بنا شود و از حمایت عقل برخوردار باشد، خداوند طرفداران حکومت را یاری نموده، دشمنانش را خوار می سازد.»(۵).

احقاق حق ستمدیدگان و جلوگیری از هرگونه ظلم و جور، معیار مشروعیت حکومت است و تمام دلخوشی و انگیزه علی در قبول زمامداری، از کلامش به ابن عباس آشکار می شود.

عبداللّه بن عباس می گوید: هنگامی که علی(ع) عازم جنگ با اهل بصره (جنگ جمل) بود، در ذی قار بر او وارد شدم، در حالی که پارگی کفش

خود را می دوخت.پس به من گفت: قیمت این کفش چند است؟ عرض کردم ارزشی ندارد، فرمود:

«سوگنـد به خدا این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شـما محبوب تر است؛ مگر آن که حقی را ثابت گردانم یا باطلی را براندازم...»(۶).

فقر در جامعه، بر اثر عدم پرداخت حقوق واجب از سوی توانمندان است:

«خداونـد سبحان روزی فقرا را در اموال توانگران مقرر داشـته؛ پس هیچ فقیری گرسـنه نماند، مگر آن که، توانگری حق او را بازداشته است و خدای تعالی توانگران را بدین سبب بازخواست کند.»(۷).

*****

نهج البلاغه، خ ۳.

العدل نظام الامره.شرح غرر، ج ۱، ص ۱۹۸.

العدل قوام الرعیه.همان، ج ۱، ص ۱۹۸.

من عمل بالعدل حصن اللّه ملکه.همان، ج ۵، ص ۳۵۵.

همان، ج ۳، ص ۱۶۸.

نهج البلاغه، خ ۳۳.

نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰.

عمران و آبادانی (توسعه و رشد اقتصادی)

رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه، هدف مهم دیگر سیاست های اقتصادی امام علی(ع) بود.عمران و آبادی زمین و تأمین نیازهای مادّی انسان از تعلیمات قرآن است که مردم را به آباد کردن زمین فراخوانده و می فرماید: هُوَ أَنشَأَکُم مِنَ الْاَءرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیَها (هود/ ۶۱).

او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.امام(ع) درباره این آیه می فرماید:

«پس خداوند سبحان مردم را به آباد کردن فرمان داده است، تا این آبادانی به سبب آنچه از زمین بیرون می آید، مانند حبوب و میوه ها و امثال آن، که خداوند برای تأمین زندگانی بشر قرار داده است زندگانی آنان را قوام بخشد.»(۱).

در اندیشه امام(ع) اصلاح مردم به اصلاح خراج و مؤدّیان آن می باشد که این خود بستگی بسیاری به عمران و آبادی دارد.

(۲) سیاست های امام(ع) در

جهت حمایت از صنعتگران، تجار و اصلاح بازار به هدف رشد تولید و رونق اشتغال و رفاه عمومی بوده است.

علی(ع) افزون بر برپایی عدالت برای محو فقر و تأمین نیازهای اساسی فقرا، افزایش رفاه و درآمدهای عمومی را نیز وجهه همت خود ساخت.تشویق مردم به کار و تحصیل معاش(۳).و برنامه های حمایت از بخش خصوصی، حتی با وقف قنات ها و نخلستان هایی که شخصا احداث کردند، به هدف افزایش اشتغال و بهره مندی بیش تر مردم از مواهب الهی، صورت می گرفت.

*****

حاجی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۶۵ ۶۶.

در این زمینه در مباحث بعدی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ر.ک: الری شهری، همان، ص ۵ ۱۶۹.

ثبات قیمت ها

یکی از مهم ترین وظایف و سیاست های حکومتِ عدل علی همان گونه که گذشت نظارت بر بازار و تنظیم آن بود.سیاست های تشویقی حضرت برای پایین نگه داشتن قیمت ها و مدارا نمودن با مصرف کنندگان، در کنار تدابیر حقوقی و عملی حضرت برای حمایت از قیمت های عادلانه و مبارزه با گرانفروشی و احتکار و انحصارات به هدف مهار قیمت ها و رفاه عمومی و رونق بازار صورت می گرفت.

*****

روابط مابین هدف ها

اهداف سیاست های اقتصادی به طور کلّی به دو قسم عالی و میانی تقسیم شد؛ بدیهی است که اهداف میانی در طول هدف غایی قرار می گیرند.پیامبر(ص) و پیروان حضرت به ویژه امام علی(ع) برای اعتلای کلمه توحید و ارزش های الهی، مرارت های فراوانی را تحمل کردند.محاصره اقتصادی و تحمیل جنگ ها را به جان خریدند.البته اهداف میانی وقتی می تواند سیاست های اقتصادی دولت اسلامی را هدایت نماید که در راستای حاکمیت الهی و ارزش های والای انسانی باشد.اصولاً همان گونه که گفته شد وجه اصلی تمایز دولت اسلامی با دولت های رقیب تقدّمِ امور دینی و معنوی مردم بر مصالح مادّی و دنیوی آنها است.امیرِ سخن در این باره می فرماید:

«بدانید که زیان نمی رساند شما را ضایع شدن چیزی از دنیای شما، اگر اساس دین خود را پاس بدارید.سودی نبخشد شما را، پس از ضایع کردن دینتان، آنچه از دنیای خود در ضبط آرید.»(۱).

بر این اساس هر سیاستی که به آبادانی و فربهی معیشت دنیوی بینجامد، ولی به ارزش های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه

حضرت مردود است.البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیات

شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتّی دنیا طلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش های معنوی، خسارت های دنیوی فراوانی بر جای می گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران های جدید و شدید رو به رو می کند:(۲).

«مردم هیچیک از امور دینی را برای بهبود امور دنیوی ترک نکنند، جز آن که خداوند سبحان برای آنان وضعی پیش آورد که زیان آن بیش از سودش باشد.»(۳).

دو هدف بسط عدالت اجتماعی اقتصادی و رشد و توسعه، می توانند مکمّلِ هم باشند.سیاست هایی که در جهت بهبود وضع فقرا اتّخاذ می شود با افزایش بهره وری، بر عمران و آبادانی تأثیر مثبت دارد و همچنین تدابیری که منجر به رونق تولید می شوند، بیکاری را کاهش داده، سطح زندگی بیکاران را به سطح زندگی سایر مردم نزدیک می سازد؛ امّا ممکن است پی گیری دو هدف پیش گفته با توجّه به ظرفیت ها و شرایط کشور، به تزاحم انجامد.در این صورت جانب عدالت برتری دارد؛ زیرا در اندیشه علوی تحمّل فقر و احساس اختلافات فاحش طبقاتی، مفاسدی به بار می آورد که مسیر جامعه را از هدف اصلی منحرف می سازد و برگرداندن جامعه به مسیر اصلی اگر غیرممکن نباشد تاوان بسیار سنگینی خواهد داشت.مشکلات حکومت علوی و کوتاه بودن دوران آن، پاره ای از هزینه سنگین اصلاح جامعه و برگرداندن آن به مسیر اصلی بود که علی(ع) پرداخت.(۴).

*****

نهج البلاغه، خ ۱۷۳.

محمد سروش، هدف ها و آرمان های حکومت از دیدگاه امام علی(ع)، در مجموعه حاضر.

نهج البلاغه، حکمت، ۱۰۳.

علی(ع) با تمام علم و تدبیر و قدرت

چنین تاوانی داد؛ حال تاوان دولت اصلاحگری که قطره ای از دریای علی است، چقدر سنگین خواهد بود.

سیاست های اقتصادی (ابزارها و تدابیر) در دولت علوی

امام علی(ع) برای تحقق اهداف اقتصادی پیش گفته، سیاست هایی را برنامه ریزی کرد.برخی از این سیاست ها در دوران حکومت حضرت به مرحله اجرا گذاشته شد، و پاره ای نیز در برنامه کارِ کارگزاران حکومت قرار گرفت.ابزارها همان گونه که اشاره شد در یک تقسیم بندی کلّی، شامل رهنمودهای اخلاقی معنوی، ابزارهای کیفی (یا شرایط چهار چوبی حقوقی) و ابزارهای کمّی (یا کاربرد ابزارهای کمّی) می شود.

رهنمودهای اخلاقی معنوی، مهم ترین ابزار سیاست های اقتصادی دولت علوی را تشکیل می داد.این ابزار هر چند پایه و اساس قانونی به خود نگرفتند، ریشه در اعتقادات مردمی داشتند که بیش از سه دهه از دوره پیامبر(ص) فاصله نگرفته بودند و هنوز تحول عظیم اعتقادی و اخلاقی از ذهن آنان محو نشده بود؛ هر چند انحرافات عمیقی در تعلیمات نبوی رخ داد.بنابراین فرهنگ سازی، احیای مجدد اخلاقیات و اعتقادات و مبارزه با کج اندیشی ها محور سیاستگذاری امام(ع) است.

اندیشه اقتصادی در نزد امام(ع) بر پایه مسئولیت پذیری استوار است؛ چه، انسان در برابر مردم و سرزمین ها (بلاد) مسئول است.قلمرو مسئولیت او سرزمین های دور و چارپایان را هم دربر می گیرد.او در برابر فقرا و مستمندان مسئول است تا غبار تنگدستی را از چهره آنان بزداید.او در برابر هر قطعه زمین بایری مسئول است و باید آن را احیا کند تا گرسنه ای در جهان باقی نماند.اصل تلاش و جدّیت بر پایه مسئولیت استوار است.

کار از ارکان هر اقتصادی است و امام(ع) با بیان اهمیت کار در فرهنگ

اسلامی، مردم را به کار و تلاش بیش تر ترغیب می کرد.امام خطاب به مردم می فرمودند: «هیچ حرکتی در راه خدا مهم تر از تلاش شما برای رفع نیازهای فرزندان و همسرتان نمی باشد».(۱).

امام اوقات مؤمن را به سه بخش تقسیم کرده، تأمین معاش را جزء اصلی برنامه مؤمن قرار داده اند:

«مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگار خود راز می گوید و ساعتی که در پی تحصیل معاش خویش است و ساعتی که به خوشی ها و لذات حلال و نیکو می پردازد.و عاقل در پی سه کار باشد: یا در پی اصلاح معاش یا در کار معاد یا در پی لذت های غیرحرام و نا مکروه.»(۲).

همچنین امور مفید و کار هدفمند را به مردم می شناساند.از حکمت های امام است که «هر کس آب و زمین داشته باشد اما فقیر بماند، خداوند او را از خود دور سازد».(۳).

در جای دیگر می فرماید: حرفه المرء کنز؛(۴) «گنجینه انسان شغل اوست.»

در اهمیت دامداری فرموده اند: فرشتگان خانه ای را که در آن گوسفندی باشد، مقدس می شمارند.(۵).

امام(ع) خود با کار سخت و احداث نخلستان ها و قنات ها و وقف آنها برای مردم نیازمند، نشان دادند که کار در اندیشه ایشان از اهمیت بالایی برخوردار است.حتی در هنگام زمامداری، شیوه اش را تغییر نداد و همچنان کار می کرد: زمین شخم می زد، چاه حفر می کرد و به زراعت می پرداخت و...نوشته اند: مردی امیرالمؤمنین را با بار شتری از هسته خرما دید؛ از او پرسید: چه حمل می کنی؟ امام فرمود «صد هزار نهال خرما.» پس حضرت آنها

را کاشت و هیچ کدام فاسد نشد.(۶).

ابزارهای کیفی استفاده از قواعد و قوانین حقوقی است که با وضع قوانینی مناسب سعی در نیل به اهداف جامعه دارد.در این مورد نیز امام علی(ع) با تجدید سنّت نبوی و احیای قوانین فراموش شده و اجرای آنها از این ابزار نیز بسی سود جست.مهم ترین ابزار کمّی در دولت علوی، سیاست های مالی است.سیاست های پولی تنها منحصر به حفظ ارزش پول بوده است.(۷) قبل از هر چیز، دولت به نظارت بر کیفیت و عیار سکه های دینار و درهم می پرداخت تا قدرت خرید را حفظ کند.اعراب به علت فقر اقتصادی، قادر به ضرب سکه نبودند؛ از این رو در داد و ستدها از سکه های رایج در کشورهای همسایه مثل ایران، روم، یمن استفاده می کردند.(۸) این سکه ها بر اثر تجارت اعراب با همسایگان وارد جزیره العرب می شد و چون حجم تقاضای پول در جزیره نسبت به تقاضای کل ایران و روم ناچیز بود، تقاضای منطقه ای جزیره تأثیری بر تقاضا یا عرضه پول در ایران و روم نداشت بدین روی ارزش پول برای اقتصاد جزیره العرب به طور برون زا تعیین می شد.(۹) بر این اساس تنها اقدام لازم برای حفظ ارزش پول در منطقه، مراقبت بر عیار سکه های وارد شده بود که از سوی دولت صورت می گرفت.

با گسترش فتوحات اسلامی در سرزمین های تحت نفوذ روم و ایران، و کسب موفقیت های اقتصادی، مسلمانان به تدریج به فکر ضرب سکه های طلا و نقره افتادند.(۱۰) در زمان خلافت علی(ع) در سال چهلم هجری، سکه هایی ضرب شد که تمام آثار

غیراسلامی از آن محو شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت اللّه الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و در اطراف آن عبارت محمد رسول اللّه ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، حک شده بود.ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه های قبلی گردد.(۱۱).

در رابطه با سیاست های درآمدی که به منظور مهار تورم صورت می گیرد علاوه بر اندرزهای علی(ع) به صاحبان مشاغل و نظارت ایشان بر قیمت های بازار شاهد تاریخی بر اتخاذ چنین سیاستی به نظر نمی رسد.بنابراین با توجه به موقعیت و شرایط اقتصادی آن دوران و با توجه به ممنوعیت ربا، محور سیاست های اقتصادی حکومت علوی را سیاست های مالی تشکیل می داده است که در قسمت بعد به تشریح آن خواهیم پرداخت.همچنین به ابزارها و سیاست های اخلاقی و حقوقی در ضمن بحث اشاره می کنیم.

*****

دعائم الاسلام، ۲/۱۵/۹.

نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰.

علّامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۶۵.

الری شهری، همان، ص ۱۷۳.

قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۱۹.

الکلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۷.

فقدان بانکداری و به ویژه بانک مرکزی و وجود مبادلات پا یا پای و حرمت ربا می تواند دلایل محدودیت سیاست های پولی باشند.

حسینی مازندرانی، العقد المنیر...، ج ۱، ص ۳۵؛ المقریزی، النقود الاسلامیه، ص ۶۳.

صدر کاظم، اقتصاد صدر اسلام، ص ۱۵۹.

ر.ک: بخش فرهنگی جامعه مدرسین، پول و نظام های پولی.

المقریزی، همان، ج ۱، ص ۴۶.

سیاست های مالی

سیاست های مالی، شامل مجموعه تدابیری است که در

رابطه با هزینه های دولت و درآمدهای عمومی به ویژه مالیات ها برای نیل به اهداف اقتصادی مختلف اتخاذ می گردد.دولت علوی برای تحقق عدالت اجتماعی، کمک به عمران شهرها، رشد و رفاه عمومی، از ابزار مالیات ها و مخارج استفاده می کرد.مخارج دولت علوی، هنگام بحث درباره وظایف حکومت علوی بیان و اندازه آن اشاره گردید.سیاست های مالیاتی در بیانات امام علی(ع) از جایگاه خاصی برخوردار است که با تفصیل بیش تر بدان می پردازیم.

منظور از مالیات ها وجوهی است که دولت اسلامی از مردم دریافت می کند تا با آن مخارج عمومی را تأمین کرده، اهداف اقتصادی خود را جامه عمل بپوشاند.از میان منابع مالی دولت علوی، مالیات ها شامل زکات و صدقات، خمس، خراج و جزیه می شد.

خمس در صدر اسلام عمدتا در خمس غنایم جنگی منحصر بود.در زمان خلافت عمر، به علّت فتوحات عظیم مسلمانان در جنگ با ایران و روم و دستیابی آنان به غنایم بسیارِ جنگی، منابع خمس به صورت بی سابقه ای افزایش یافت.دامنه فتوحات اسلامی همچنان در زمان عثمان گسترش یافت و غنایم فراوانی نصیب مسلمانان گشت.یعقوبی، غنایم جنگ آفریقا را بالغ بر ۲۵۲۰۰۰۰ دینار ذکر کرده است.(۱) به روایت ابن اثیر در زمان عثمان مسلمانان تمام آفریقا را در دو جنگ فتح کردند که عثمان خمس حمله اوّل را به عبداللّه بن سعد بن ابی الشرح و خمس جنگ دوم را به مروان بن حکم داد.(۲).

در دوران کوتاه خلافت امیرالمؤمنین(ع) سه جنگ عمده جمل، صفین و نهروان روی داد که هر سه آنها داخلی بود و غنیمتی گرفته نشد؛ یا قابل توجه نبود.(۳) به همین جهت

در عصر خلافت آن حضرت از غنایم سرشار دوران عمر و عثمان خبری نبود و در موارد نادری هم که وجوهی از خمس به دست می آمد، با رضایت اقربای پیامبر(ص) در مصالح اهم و برای رفع فتنه هایی که کیان اسلام را تهدید می کرد، صرف می شد.بیهقی می نویسد:

«امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و ابن عباس و عبداللّه بن جعفر رضی اللّه عنهما سهم خویش را از خمس از حضرت مطالبه نمودند؛ امام فرمودند: «این حق شما است ولی من درگیر جنگ با معاویه هستم، اگر مایل هستید از این حق خود درگذر ید.»(۴).

بنابراین زکات، خراج و جزیه، عمده ترین مالیات ها یا منابع مالی حکومت علوی را تشکیل می دادند و امام نیز در این باره، سخنان ارزنده ای دارند که سیاست های مالیاتی دولت علوی را روشن می سازد.

زکات

خراج

*****

الیعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۵، ر.ک: الطبری، ج ۴، ص ۲۵۶.

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص۴۸۴.

این امتنانی از سوی امام بر اهل بغی بوده است؛ چنان که امام صادق(ع) می فرماید: «هرگاه علی(ع) تمام اهالی بصره (= حاضران در جنگ جمل) را می کشتند و اموال آنها را می گرفتند، برای حضرت حلال بود؛ ولی حضرت بر آنان منّت نهاد تا بر شیعیانش بعد از او امتنان کنند.» (الحرالعاملی، همان، ج ۱۱، ص ۵۸ ۵۹) البته اگر چه حکم عفو و منت یک حکم ولایی بوده است، حکم موسمی و در مورد خاص نیست؛ بلکه حکمِ حکومتی مستمر تا عصر ظهور حضرت قائم(ع) است که به خاطر حفظ شیعه و اتمام حجت بر دشمنان شیعه در مواجهه با شیعه

است.(المنتظری، همان، ج ۳، ص ۲۹۵ ۲۹۶ و ۳۱۵).

البیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۵۵۸، ح ۱۲۹۶۰؛ الهندی، کنزالعمّال، ج ۴، ص ۵۱۹.

زکات

زکات (صدقه) یکی از دو منبع مهم مالی دولت اسلامی در صدر اسلام بود.زکات، واجب عبادی مالی است که موجب تقرّب به سوی پروردگار می شود.امام علی(ع) در این باره می فرماید:

«(و بدانید که) زکات همراه نماز مایه تقرب مسلمانان به خداوند است.بنابراین کسی که زکات را با طیب خاطر بدهد، کفاره (گناهان) او محسوب شده، مانع و حجابی از آتش برای او خواهد بود.پس نباید کسی چشم به دنبال آنچه پرداخته بدوزد و در ادای آن برای خویش مشقت ببیند، یا به خاطر آن حسرت خورد؛ زیرا آن کس که بدون طیب نفس برای دریافت مزد بیش تری آن را بپردازد به سنّت پیامبر(ص) جاهل است و از اجر و ثوابْ مغبون و در عملْ گمراه و بسیار پشیمان خواهد شد.»(۱).

زکات در اندیشه امام(ع) علاوه بر بُعد اخلاقی، دارای فواید اجتماعی اقتصادی نیز هست:

«پرداخت زکات، موجب صرف ثمرات زمین و غیر آن به نیازمندان و مستمندان می گردد.(۲) و خداوند زکات را وسیله رزق قرار داده است.(۳) زکات دارائی ها را بیمه می کند.»(۴).

زکات مالیاتی است که موارد مشمول، مقدار و مصارف آن مشخص شده است.بنابراین در تعلیمات حکیمانه امام بیش تر بر اجرای آن تأکید شده است:

«برو با پرهیزگاری و ترس از خداوندی که یگانه است و او را شریکی نیست.مسلمانی را مترسان و اگر خود نخواهد به سراغش مرو و بیش از آنچه حق خداوند است، از او مستان.چون به قبیله ای برسی بر سر آب آنها فرود آی

و به خانه هایشان داخل مشو.آن گاه با آرامش و وقار به سوی ایشان رو تا به میانشان برسی.سلامشان کن و تحیت گوی و در سلام و تحیت امساک منمای؛ سپس بگوی که ای بندگان خدا، ولیّ خدا و خلیفه او مرا به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد، بستانم.آیا خدا را در اموالتان سهمی هست، که آن را به ولیّ خدا بپردازید؟ اگر کسی گفت نه، به سراغش مرو، و اگر کسی گفت: آری، بی آن که او را بترسانی یا تهدیدش کنی (یا) بر او سخت گیری یا به دشواریش افکنی، به همراهش برو و آنچه از زر و سیم دهد، بستان و اگر او را گاو و گوسفند و شتر باشد، جز به اجازت صاحبانش به میان رمه مرو؛ زیرا بیش تر آنها از آن او است و چون به رمه چارپایان رسیدی، مانند کسی مباش که خود را بر صاحب آنها مسلط می شمارد و یا می خواهد بر او سمت گیرد.چار پایی را رم مده و مترسان و صاحبش را در گرفتن آن مرنجان.پس مال را هر چه هست به دو بخش کن و باز او را در گرفتن یکی از آن دو بخش مخیر نمای و در آنچه برای خود برمی گزیند متعرض آن مشو.سپس باقی را باز به دو بخش کن و باز او را در گرفتن یکی از آن دو بخش مخیر نمای و در آنچه برای خود برمی گزیند، سرزنش منمای، و پیوسته چنین کن تا آن قسمت که حق خداوند در آن است بر جای ماند.پس سهم خدا را از

او بستان و اگر پنداشت که مغبون شده و خواست آن گونه قسمت کردن را برهم زند، از او بپذیر و بار دیگر دو قسمت را یکی کن و باز قسمت از سر گیر، تا سهم خدا را از مال او معین کنی و بستانی.و ستور پیر و سالخورده و پای و پشت شکسته و بیمار و لاغر و معیوب را مگیر.

و چون مال مسلمانان را می فرستی، آن را به کسی بسپار که به دینداری او مطمئن باشی تا آن را به ولیّ امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت نماید.و به نگهداری آنها مگمار، مگر مردمی نیکخواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند؛ کسی که با ستوران درشتی نکند و آنها را تند نراند و خسته شان نگرداند.پس، هر چه گرد آورده ای، زود به نزد ما فرست تا ما نیز در جایی که خداوند مقرر فرموده، صرف نماییم....»(۵).

در این نامه، نکات مهمی درباره زکات آمده است:

۱.زکات و بودجه دولت.اعزام مأمور مالیاتی و تبیین وظایف او نشان می دهد که دولت علوی جمع آوری و هزینه کردن زکات را وظیفه خود می دانسته است.بنابراین زکات جزء بودجه دولت اسلامی به شمار می رود.امام(ع) همانند رسول خدا(ص) مأمورانی را برای جمع آوری زکات و هزینه کردن آن به کار گماشتند؛ از جمله خنف بن سُلیم را بر صدقات بکر بن وائل گمارد و عهدی برای او نوشت:

«پس هر کس از پیروان ما، از اهالی جزیره و مابین کوفه و شام، ادعا کند زکات خود را به عمّال شام داده است، در حالی که در حوزه (امنیتی) ما به سر می

برد، او را از این کـار منع کن؛ زیرا نیروهـای سواره و پیـاده مـا از او حمـایت کرده انـد، این اجازه را به او نـده اگر چه حق آن گونه باشد که او گمان کرده زیرا حق ندارد در سرزمین ما باشد و زکات مالش را به دشمنان ما بدهد.» ۱۶۰

پس زکات منبع مالی دولت است و بخشی از آن برای حفظ امنیّت شهروندان هزینه می شود.

۲.ادب مـأمور مالیـاتی در هنگـام شـناسایی مؤدّیان.مـأمور مالیاتی بایـد پرهیزگار، نرم خو و متواضع باشـد و آشـنایی لازم را با قوانین زکات داشته باشد.امام(ع) در نامه ۲۶ نیز مأموران را به تقوا در پنهان و خلوت امر می نمایـد؛ زیرا برای مأمورانی که در ارتباط پنهانی با مؤدّیان هستند، امکانِ لغزش و سوء استفاده (رشوه گرفتن) بسیار است.

۳.مالیات سـتانی مطابق قانون.هیـچ مأموری و یا مسـئول حکومتی نمی توانـد بیرون از قانون، مالیاتی را وضع نماید و یا بیش از مقدار مقرر در قانون از مردم مالیات بگیرد.

۴.زمینه اعتقـادی و فرهنگی زکات.زکـات واجب حقّی است که از سوی خداونـد تعیین شـده است.شایـد بـدین روی که منابع طبیعی از آنِ عموم است و خداوند تبارک و تعالی به بندگانش اجازه داده است تا از آن بهره برداری کنند، ولی برای دیگران که به نحوی در این مال الهی شـریک اند، حقی را واجب نموده است.از این رو مؤدّیانِ زکات با این اعتقاد، تکلیف الهی خود را در برابر خداونـد و نعمت هـایش ادا می نماینـد و همـان گونه که اشاره شـد، بـدهی خود را با طیب خاطر می پردازنـد تا بر درجات خود نزد خداوند بیافزایند.

۵.اصل اعتقاد و خود تشخیصی.پرداخت زکات به

عنوان یک واجب شرعی بر عهده مؤدّی گذاشته شده است.از این رو، اظهارات، ارزیابی و حتّی ادعای پرداخت از طرف او مسموع است.وقتی مؤدّی اظهار می دارد که زکات بر گردن ندارد، مأمور نبایستی متعرّض او گردد؛ در این صورت طبیعی است که امام به ارزیابی مؤدّی اعتماد نموده است.۱۶۱ همچنین از این رو است که امام(ع) در نامه ۲۶ به مأمور زکات سفارش می کند که نباید به مردم بهتان زد و نسبتِ دروغ به آنان داد.

۶.رفتار مأمور مالیاتی هنگام جمع آوری زکات.امام(ع) درباره برخورد با مؤدّی که رأسا به بدهکاری خود اقرار می کند، چنین توصیه می نماید:

یک.مأمور نبایستی موجب ترس و وحشت مؤدّی شود حال آنکه در طول تاریخ در بسیاری از جاها مأمور مالیاتی در نزد مردم ترسناک ترین افراد بحساب می آمده است.

دو.مأمور نبایستی مؤدّی را تهدید نماید.

سه.مأموران حق ندارند بر مؤدّی ستم کنند و بیش از مقدار مقرّر از او بگیرند.

چهار.مأمور نبایستی در جمع آوری زکات بر مؤدّی سخت گیرد.بنابراین بایستی با مؤدّی نهایت مدارا و همراهی را در پیش گیرد.امام(ع) حتّی هنگام جمع آوری جزیه مراعات حال مؤدّی را می کردند و از هر صاحبِ حرفه ای کالای او را به عنوان جزیه می پذیرفتند.ابوعبید روایت می کند:

«علی(ع) از هر صنعتگری چنین جزیه می گرفت: از سازنده سوزن، سوزن و از سازنده مسّان، مسّان و از بافنده ریسمان، ریسمان...»(۶).

ابوعبید معتقد است که علی(ع) این کار را برای انفاق و آسان گرفتن بر مؤدّیان انجام می دادند.(۷).

پنج.مأمور نباید سرزده وارد ملک دیگری شود؛ زیرا بیش تر مال از آنِ صاحب آن می باشد.امام(ع) همچنین در نامه ۲۶ می فرماید:

«ولا

یرغب عنهم تفضّلاً بالاماره علیهم فانهم الاخوان فی الدین والاعوان علی استخراج الحقوق.زیرا مردم، برادران دینی و یاوران حکومت در احقاق حقوق می باشند.»

۷.مراعات نظر مؤدّی در هنگام وصول.امام(ع) به مأمور خود سفارش می کند که به مؤدّی اختیار دهد تا زکات را از هر قسمت از مال خود، با حفظ شرایط آن، به دلخواه تحویل دهد؛ حتّی درخواست تجدیدنظر او را نیز بپذیرد.

۸.رعایت مصالح بیت المال.امام(ع) همان گونه که درباره مؤدّیان سفارش می کند، درباره بیت المال نیز توصیه می نماید که: اوّلاً آنچه به عنوان زکات گرفته می شود بایستی سالم باشد (پیر، ضعیف، معلول، بیمار و معیوب نباشد) و دوم این که آنها را به دست امینی بسپارد که از سلامت دینش اطمینان دارد.

تحلیل توصیه های حضرت امیر در شرایط کنونی می تواند روشنگر اندیشه ژرف آن حضرت در میدان اقتصاد باشد.البته تأکید این نکته به جا است که دستورالعمل های حکیمانه حضرت پیش از آن که در زاویه تنگ مادیات تفسیر شود، حکایت از بینش الهی او و نسبت به انسان دارد.آن گاه که کارگزار زکات را از فرود آمدن بر خانه های مؤدّیان نهی می نماید، می خواهد تا حریم امن خانواده و خلوت مردم از چشم اغیار دور باشد و بر فقر و غنا و احوال شخصی آنان دسترسی نباشد.(۸) آن جا که بر ادب کارگزار تأکیدات فراوان می نهد و او را از بهتان زدن و نسبت دروغ دادن برحذر می دارد، حفظ کرامت انسان را در حکومت اسلامی نشانه گرفته است.حتّی با نهی از تجاوز از حدّ مشخص زکات و همچنین نهی از بی توجهی نسبت به اموال

مردم هنگام تحصیل زکات (رم ندادن گوسفندان)، احترام مال مردم را از نظر دور نمی دارد.اگر اجرای احکام الهی بر تقرّبِ مردم به سوی خدایشان نیفزاید پس چه فرقی بین این احکام و سایر قوانین وجود دارد، البته که اعتماد تمکین می آورد و هزینه های جمع آوری زکات را کاهش می دهد و بستر ساز فرهنگ پرداخت زکات در جامعه اسلامی می گردد.

*****

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

...و حصنوا اموالکم بالزکاه....نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

نهج البلاغه، نامه ۲۵.

ابوعبید، همان، ص ۴۹.

همان.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۵۳.

خراج

خراج به مالی گفته می شود که مانند اجاره بر زمین خاصّی وضع می شود و مقاسمه نیز به معنای خراج است؛ با این تفاوت که مقاسمه بخشی از محصول زراعت است، ولی خراج به مقدار نقد می باشد.همچنین مراد از قباله و طسق در کلام فقها همین خراج است.میزان خراج از نظر شرعی معیّن نشده است و به نظر امام و مصلحت مسلمین بستگی دارد.(۱).

خراج، هر چند شباهت زیادی به خالصجاتِ دولت دارد(۲)، بی شباهت به مالیات نیست؛ زیرا مالی است که همچون مالیات از طرف دولت برای حفظ نظام اسلامی بر صاحبان زمین های خاص (خراجیّه) وضع می شود.(۳) به هرحال خراج جایگاه خاصی در سیاست های مالی حکومت علوی داشت.چون میزان خراج با نظر دولت اسلامی تعیین می شود، دولت می تواند با توجه به شرایط مؤدّیان، اهداف سیاسی و مصالح جامعه اسلامی، مبادرت به تنظیم آن نماید.امام علی(ع) مهم ترین سیاست های خود را در نامه معروف خود به مالک اشتر، هنگام نصب او بر ولایت مصر

بیان داشته اند که ضمن ذکر آن، به دستاوردهای آن نیز اشاره می کنیم و سپس به تحلیل و بررسی آن می پردازیم.

امام علی(ع) در فرازی از نامه خود به مالک اشتر می نویسد:

«در کار خراج نیکو نظر کن؛ به گونه ای که به صلاح خراج گزاران باشد.زیرا صلاح کار خراج و خراج گزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال خراج گزاران.زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراج گزارانند؛ ولی باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه آبادی زمین باشی، که خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی.هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا خشک شدن چشمه ها و یا کمی باران، یا دگرگونی زمین در اثر آب گرفتگی و فساد بذرها و یا تشنگی بسیار زراعت و فاسد شدن آن، شکایت نزد تو آورند، از هزینه و رنجشان بکاه، آن قدر که امید می داری که کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید؛ تا اندوخته ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد و تو را به نیکی ستایش کنند و در گسترش عدالت از ناحیه تو با خرسندی سخن گویند.تو نیز خود در این میان مسرور و شادمان خواهی بود.افزون بر آن، تو می توانی با تقویت آنها از طریق ذخیره ای که برایشان نهاده ای اعتماد کنی، و نیز می توانی با این عمل که آنها را به عدالت و مهربانی

عادت داده ای، به آنان مطمئن باشی، چرا که گاهی برای تو گرفتاری هایی پیش می آید که باید بر آنها تکیه کنی.در این حال آنها با طیب خاطر، پذیرا خواهند شد و عمران و آبادی تحمّل همه این ها را دارد.امّا ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت والیان، همه گرد آوردنِ مال شود و به ماندن خود بر سر کار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود بر نگیرند.»(۴).

از بیانات امام(ع) این نکات، برمی آید:

۱.خراج مهم ترین وسیله تأمین مخارج رفاه عمومی است.امام(ع) اصلاح حال مردم و قوام لشکریان را در وجود خراج می دانند.

۲.سامان یافتن خراج و خراج گزاران، بسته به وجود امنیّت قضایی و کارگزاران حکومتی به ویژه دست اندرکاران مالیاتی باانصاف و مردمدار است.

۳.خراج ستانی نباید مانع رشد تولید گردد.بنابراین دولت باید میزان خراج را با توجه به توانایی پرداخت و انگیزه های سرمایه گذاری در مردم وضع نماید.

۴.تخفیف های مالیاتی سرمایه ای در دست مردم است که با به کارگیری آن در امر تولید، عایدات آن به دولت نیز بازمی گردد.

۵.تخفیف مالیاتی موجب جلب اعتماد مردم و در نتیجه موجب مشارکت عمومی می گردد.

امام(ع) در نامه ای دیگر ضمن تأکید بر اهمیت کار گزاری خراج، به مرد مداری و مراعات بدهکاران مالیاتی سفارشِ بسیار می کنند:

«...شما رعیّت را گنجورانید و امت را وکیلان و امامان را سفیران.حاجت کسی را روا ناکرده مگذارید، و او را از آنچه مطلوب او است باز مدارید (و برای گرفتن) خراج، پوشش زمستانی و تابستانی (رعیّت (را مفروشید و چار پایی که بدان

کار کنند و بنده ای را که (در اختیار دارند).و برای درهمی کسی را تازیانه مزنید و دست به مال کسی مبرید.»(۵).

مردی از قبیله ثقیف می گوید: علی ابن ابی طالب(ع) مرا به امارت بانقیا و بخشی از سواد کوفه برگزید و در حالی که گروهی از مردم حضور داشتند به من فرمود: «خراجت را بنگر! پس تمام کوشش خود را در آن به کار ببر و درهمی ازآن را ترک نکن.پس هرگاه اراده رفتن به محل خدمتت را داشتی نزد من بیا.» وقتی نزد آن حضرت رفتم به من فرمود:

«آنچه از من شنیدی یک نقشه بود، مبادا مسلمان یا یهودی و یا نصرانی را به خاطر درهمی از خراج مورد ضرب و شتم قرار دهی و یا چهارپایی را که وسیله کار مردم است، برای درهمی خراج بفروشی.همانا ما امر شده ایم که از مردم آنچه زائد بر نیازشان است، بگیریم.»(۶).

خراج همان گونه که اشاره شد یکی از مهم ترین منابع دولت های اسلامی است.عمر پس از فتح سواد (عراق) به سال ۱۴ هجری، از تقسیم اراضی میان فاتحان مسلمان خودداری کرد و به جای آن نظام مالیاتی خراج را جایگزین ساخت و این کار مبدأ وضع خراج در اسلام بود.از نظر تاریخی تقریبا مسلّم است که این کار با راهنمایی و ارشاد امیرمؤمنان علی انجام گرفته است.مآخذ سنی و شیعی و زیدی همه نقل نموده اند که وی پس از فتح سواد از عمر خواست از تقسیم کردن اراضی میان سپاهیان خودداری کند و آن را به عنوان یک منبع درآمد برای جامعه اسلامی باقی نگاه دارد.عمر با آن که برخی دیگر از

صحابه پیامبر اصرار بر تقسیم اراضی داشتند، نظر امیرمؤمنان علی را پذیرفت و بدان عمل کرد.(۷) از نظر تاریخی تردیدی نیست که امیرمؤمنان علی(ع) در دوران خلافت خود عملاً روش عمر را که خود به او توصیه نموده بود، در پیش گرفت(۸)؛ چنان که خراج روستاهای مدائن را به روش مساحت مقرّر داشت.(۹) البته میزان خراجی که علی(ع) در این موارد وضع نمودند، در روایاتی از شیعی و سنی و زیدی مشخص شده است که با مقرّری عمر در بیش تر محصولات اختلاف دارد.(۱۰) از مصعب بن یزید انصاری روایت شده است:

«امیرالمؤمنین علی(ع) مرا بر چهار روستای مدائن، بهقیاذات، نهر سیر (یاشیر) و نهر جویر به کار گمارد و به من دستور داد تا بر هر جریب زراعت پر محصول یک و نیم درهم و بر هر جریب زراعت متوسط یک درهم و بر هر جریب زراعت کم محصول دو سوم درهم و بر هر جریب انگور ده درهم و بر هر جریب خرما ده درهم و بر هر جریب باغی که در آن انگور و خرما کاشته شده است، ده درهم (خراج) وضع کنم و امر نمود که نخل های تکی را برای استفاده رهگذران و ابنِ سبیل، نادیده گرفته، چیزی از آنها نگیرم...»(۱۱).

از امام حسین(ع) نیز روایت شده است که امام علی(ع) بر زمین های خراج بر هر جریب زراعت گندم پر محصول دو درهم و دو ثلث درهم و یک من گندم و بر هر جریب گندم وسط دو درهم و بر هر جریب گندم کم محصول یک درهم و بر هر جریب نخل و درخت ده درهم و بر هر جریب

نیشکر و انگور ده درهم خراج وضع نمود.(۱۲) از دو روایت یاد شده بر می آید که امیرالمؤمنین(ع) میزان خراج را بر اساس توانایی پرداخت مردم، وضع می کردند.عایدات خراج برای مصالح مشترک مسلمانان مصرف می شد که موارد آن مانند تشکیل و تقویت سپاه اسلام و تشکیلات قضایی و حفاظت مرزهای سرزمین اسلامی و بنای پل ها و راه ها و سایر نیازمندی های جامعه بود.(۱۳).

بنابراین درآمد خراج، جزیه و زکات، مهم ترین منابع تأمین مالی دولت علوی بود.میزان وصول این درآمد به طور کلی به ساختار نظام مالیاتی و همچنین اداره آن بستگی داشت.در وضع مالیات، دقت در انتخاب پایه مالیاتی و جدول نرخ مناسب، بایستی مورد توجه قرار گیرد.نرخ مالیاتی تصاعدی بالا معمولاً به منظور کسب درآمد مالیاتی بیش تر و همچنین توزیع مناسب تر درآمد و ثروت در نظر گرفته شده اند؛ ولی هم در نظر و هم در عمل نتایج خوشایندی در پی نداشته است.رابطه منفی بین نرخ های مالیات بر درآمد و رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش ظرفیت و درآمد مالیاتی از مباحث عمده و مشاجره برانگیز بوده است.وضع مالیات های سنگین، پیامد هایی به شرح زیر خواهد داشت:

الف.نرخ های بالاـ موجب اختلال در قیمت های نسبی تعیین شده توسط بازار و آثار جانشینی منفی می شود.این اثر احتمالاً رفتار اقتصادی تولیدکنندگان و عرضه کنندگان عوامل تولید را مختل می سازد؛ زیرا مالیات های سنگین بازدهی نهایی پس انداز، سرمایه گذاری و تلاش کاری را کاهش داده، موجب کاهش اراده و رغبت و ناامیدی در مؤدّیان می شود و در نتیجه سطح فعّالیّت های اقتصادی کم شده و

تولید پایین می آید.امروزه اقتصاد دانانِ طرف عرضه، از این دیدگاه حمایت می کنند.

ب.نرخ های بالای مالیاتی یکی از عوامل مهم فرار و اجتناب مالیاتی است.مؤدّیان هنگامی که تصمیم می گیرند که مالیات خود را بپردازند (تمکین مالیاتی) و یا به انحای مختلف قانونی، نظیر رهاکردن شغل مشمول مالیات و یا عدم کشت محصول (اجتناب مالیاتی) و یا به روش های غیرقانونی مانند عدم اعلام درآمد و یا کم تر گزارش کردن آن (فرار مالیاتی) از زیر بار مالیاتی شانه خالی کنند، به انگیزه های موجود در نظام مالیاتی توجه می نمایند.تجربه نشان داده است هر گاه نرخ های مالیاتی پایین باشد، افراد تمکین مالیاتی خود را افزایش می دهند.

ج.مالیات های سنگین به دلایل پیش گفته در بند الف، موجب مهاجرت متخصصان، سرمایه و ثروت های بزرگ از کشور می شود.صاحبان عوامل تولید به دنبال تحصیل سود بیش تر، امکانات خود را در جایی به کار خواهند گرفت که بازدهی بیش تری عاید آنها کند.اساسا مردم ظلم را به هر شکل آن بر نمی تابند.امیرالمؤمنین چون زیاد بن ابیه را به جای عبداللّه بن عباس به فارس و شهرهای تابع آن حکومت داد، بدو گفت:

«استعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فان العسف یعود بالجلاء و الحیف یدعو الی السیف؛ کار به عدالت کن و از ستم و بیداد بپرهیز که ستم رعیّت را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آرد.»(۱۴).

ج.هر گاه مؤدّیان، سنگینی مالیات را بیش از طاقت خود احساس نمایند، تا حد امکان می کوشند آن را بر دوش دیگران گذارند.

د.نرخ های مالیاتی بالا هر چند در کوتاه مدت درآمد

مالیاتی را افزایش می دهـد، در بلنـد مـدت با تغییر رفتار مؤدّیان و کاهش تولید و فعّالیّت های اقتصادی درآمد مالیاتی کاهش می یابـد.امکان رابطه معکوس پایین نرخ های مالیاتی و درآمد مالیاتی توسط ابن خلدون تبیین گردید.(۱۵).او معتقد است که حکومت ها در اوایل سلطنت خود از طریق وضع مالیاتی معین و انـدک، درآمـد وسـیعی را کسب می نمایند؛ در حالی که در آخر سلطنت با وضع مالیات های سنگین، درآمـد کمی را جلب می کنند.(۱۶) اقتصاددانان جدید همچون آدام اسـمیت، ژان باتیست سی و دو پوئی، بر واقعیت فوق صحه گذاشته اند.آرتور لافر منحنی معروف خود را در سال ۱۹۷۴ ترسیم نمود.به طور خلاصه، نقطه شروع قضیه منحنی لافر این ایده ساده است که درآمد مالیاتی در نرخ های مالیاتی صفر یا ۱۰۰ درصد صفر می باشـد و سپس بـا افزایش تـدریجی نرخ هـا، درآمـد مالیـاتی نیز افزایش می یابـد؛ تا این که درآمـد مالیاتی در یک نرخ معین حدّاکثر شده و از آن به بعد با افزایش نرخ، کاهش می یابد.بنابراین هر گاه نرخ مالیاتی به قدری بالا باشد که در قسمت شیب منفی منحنی قرار گیرد، کـاهش نرخ های مالیاتی منجر به افزایش درآمـدهای مالیاتی خواهـد شـد.(۱۷) ابن خلـدون در مزیت پایین بودن بار مالیاتی می نویسد:

«هنگامی که میزان تقسیم بندی و تکالیفی که بر رعایا تحمیل می کنند، اندک باشد، مردم با شیفتگی و پشت کار به کوشش و فعّالیّت می پردازند و در نتیجه آبادانی به طور روزافزون توسعه می یابد؛ زیرا در نتیجه کمی باج و ناچیز بودن مقدار خراج، نیکو حال می شوند و زندگانی آنان قرین

بهبود و رفاه می گردد و هر گاه آبادانی توسعه یابد بر شماره تکالیف و تقسیم بندی خراج ستانی افزوده می شود و در نتیجه خراج که از مجموعه این تکالیف به دست می آید، نیز فزونی می یابد.»(۱۸).

امروزه در سطح وسیعی طرفداران عرضه از کاهش نرخ های نهایی بالای مالیاتی حمایت می کنند.کاستن از تعداد و مقدار نرخ های مالیاتی در دو دهه اخیر تقریبا سرلوحه تمام اصلاحات مالیاتی در جهان قرار گرفته است.تجربه اصلاحات نشان می دهد که این اصلاحات از پیچیدگی نظام مالیاتی کاسته، اجرای آن را آسان تر می کند؛ ضمن این که تمکین مالیاتی را نیز بهبود می بخشد.همچنین اختلال زایی مالیات ها را کاهش داده، موجب رونق کار و رشد تولید می گردد.(۱۹) در واقع سیاست کاهش نرخ های مالیاتی و به طور کلی کاستن از بار مالیاتی، سیاست انبساطی مالی و در جهت افزایش اشتغال و رشد تولید می باشد.این سیاست از طریق معافیت های مالیاتی مناسب با شرایط و احوال اقتصادی و توانایی مؤدّیان نیز هدف افزایش تولید را محقق می سازد؛ ضمن این که مصرف جامعه را در سطح مناسب حفظ می کند تا بهره وری نیروی کار و زندگی کریمانه فرد دستخوش تغییرات ناخوشایند نگردد.تحلیل امام(ع) در این مورد، حکایت دیگری از بینش و خوش بینی حضرت نسبت به توانایی مردم در امر تولید است.امام(ع) تخفیف را به عنوان ذخیره و گنجینه ای می داند که بالاخره در عمران و آبادی کشور به کار گرفته می شود و به عبارت دیگر تخفیف مالیاتی بسان پس انداز و انباشت سرمایه در دست بخش خصوصی است که اگر

به دست دولت قرار گیرد، ممکن است مستقیما در چرخه تولید وارد نشود.

علاوه بر تبعات ناميمون اقتصادی که بر شمردیم، در اندیشه امام(ع) و در حکومت علوی، آثار نا خوشایندتر اخلاقی و اجتماعی مالیات های سنگین، از اهمیت بیش تری برخوردار است.مردم برای فرار از مالیات به دروغ و تقلب های گوناگونی متوسل می شوند.کسانی که توانایی فرار از مالیات یا نهادن آن بر گردن دیگری را دارند، بار مالیاتی کم تری را تحمل خواهند کرد و در نتیجه عدالت مالیاتی در دو سطح افقی و عمودی نقض می شود.افراد با درآمد و توانایی پرداخت یکسان به یک اندازه مالیات نمی دهند و همچنین افراد با توانایی پرداخت بیش تر نیز به طور نسبی، مالیات کم تری می پردازند.

مشاهده تصویر ناعادلانه از نظام مالیاتی، اعتماد بین مردم و دولت را سست نموده، به مشارکت عمومی لطمه زند.در چنین قضای مسمومی عزم ملّی بر خارج کردن کشور از بن بست های اقتصادی و تقاضای ایثار از مردم، خیالی باطل خواهد بود.اگر اجرای نادرست و رفتار غیر مردم دارانه دست اندرکاران مالیات را بر وضع نامناسب مالیات اضافه کنیم، عمق آثار گفته شده، بهتر روشن خواهد بود.

*****

المحقق الثانی، قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج، ص ۷۰.

ر.ک: حسین مدرسی طباطبائی، زمین در فقه اسلامی، ج ۲.

امام خمینی، المکاسب المحرّمه، ج ۲، ص ۲۷۹.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نهج البلاغه، نامه ۵۳.

الکلینی، الکافی: ج ۳، ص ۵۳۵؛ الشیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸۶.

مدرسی طباطبائی، حسین، همان، ص ۶۸.

الحرالعاملی، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ الشیخ الطوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۲۰.

همان.

مدرسی طباطبائی، همان، ص ۲۵۸.

الحر العاملی، همان؛ الشیخ الطوسی، همان،

ص ۱۰۵.

زید بن علی، مسند الامام زید، ص ۱۷۵.

الشیخ الطوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۴ و ۶۱.همچنین سخنان حضرت(ع) نیز این موارد را تأیید می نماید.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶.

هر فرد منصفی با تأمل در حکومت امام(ع) در می یابد که او در کشف چنین رابطه ای پیشقدم بوده است.

ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۲۷۹.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶.

ابن خلدون، همان، ص ۳۴۴.

ر.ک: محمدتقی گیلک حکیم آبادی، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان، فصل سوم.

نتیجه

۱.دولت علوی با توجه به تعهد و مسئولیتش در برابر اجرای احکام و تعلیمات الهی، درپی سعادت افراد جامعه است و حکومت بهترین وسیله برای تحقق چنین هدفی است.

۲.عدالت بهترین بستر و مناسب ترین زمینه برای تعالی انسان ها و مهم ترین هدفِ دولت علوی است.

۳.دولت علوی نماینده مردم و در نتیجه خدمتگزار آنها بود.البته روابط بر اساس حقوق متقابل است، و دولت علوی نیز رابطه ولایی با مردم داشت.

۴.دولت علوی در جهت کمک به سعادت مردم وظایفی را در دو حوزه معنوی و مادّی نظیر احقاق حقوق مظلومان، مبارزه با انحراف ها و بدعت ها و رانت ها، آموزش و تربیت، تأمین اجتماعی، و ایجاد رفاه و حمایت از رشد تولید توسط بخش خصوصی، بر عهده گرفت.

۵.دولت علوی در جمع آوری بیت المال، در حفظ و جلوگیری از حیف و میل آن دقیق بود.

۶.دولت علوی ضمن این که در امور دفاعی و امور عمومی به ایجاد امنیّت، برقراری عدالت قضایی و نظارت بر کارگزاران حکومت توجه خاص داشت، در امور اجتماعی نیز بسیار فعال بود؛ امّا در امور

اقتصـادی به نظارت و تنظیم بازار و حمایت از بخش خصوصـی و رفع موانع تولیـد بسـنده می کرد و در نتیجه دولتی متوسط و ظاهرا فعال به جهت نظارت و تنظیم بازار بود.

۷.بـا تـوجه بـه بحران هـای روحی و معنـوی و انحراف از تعلیمـات اســلامی بـه ویژه در دوران عثمـان هــدف ســیاست هـای اقتصـادی(ع) احیـای سـنّت نبوی و برقراری مناسـبات اسـلامی دوران حکومت پیـامبر(ص) بود.بنابراین برقراری عـدالت، اوّلین هـدف برنامه و سـیاست های دولت علوی را تشـکیل می داد، و امام با این جهت گیری نشان دادنـد که جامعه رنجور از ظلم و تعـدّی حاکمان جور و روابط ظالمانه، جز با شـربت عـدالت، تلـخ کامی خود را از یاد نمی برد و بر محور توحیـد اسـتوار نمی گردد.

۸.امـام(ع) عـدالت اسـلام را بـا ارائه برنـامه ها و سـیاست های اصولی به ویژه در حوزه مالیات ها با واقع نگری به تاریـخ نشان داد.از این رو امام از اهـداف کلان عمران و رشد و حفظ سـطح زندگی مردم (ثبات قیمت ها) در سـیاست های اقتصادی خود غافل نشد.

۹.سیاست امام در مالیات های ثابتماننـد زکات، اجرای صـحیح آن بود.اعتماد به مردم و جلب مشارکت آنان از طریق اتخاذ روش خود ارزیـابی و خود تشخیصـی در کنـار اخلاـق و رفتـار پسـندیده عاملاـنِ زکـات و رعایت دقیق قوانین توسط آنان، از سیاست های معنوی و حکیمانه علوی است.

۱۰.امام در وضع مالیات ها (اجرت) از املاک دولتی (زمین های خراجیه)، توجه خاصی به رشد و تولید و وضع مردم داشت.از این رو به شدت از سنگینی بار مالیات در حکومت علوی نهی شده است.بخش خصوصی مورد اعتماد بود و در

دولت کارآمد علوی رابطه دولت و مردم بر اساس همیاری و مشارکت استوار شده که این رابطه از اعتقاد همکیشی و برادری نشأت می گرفت که رهبر و کارگزاران آن، خود را خدمتگزار مردم می انگاشتند.

*****

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹